

دادخواست الکترونیک؛ ماهیت و چالش‌های ناشی از ثبت آن

فرزاد روحبخش* دکتر سیروس حیدری** دکتر علی رضائی*** دکتر حجت مبین****

چکیده

امروزه در نظام‌های حقوقی مختلف استفاده از سیستم‌های الکترونیک در دادرسی توسعه یافته است. در نظام حقوقی ایران نیز قوه قضائیه از طریق دفاتر خدمات الکترونیک قضایی نسبت به پذیرش و ثبت دادخواست الکترونیک اقدام می‌کند. بخش عمده مقررات راجع به ثبت دادخواست الکترونیک از طریق بخشنامه و آئین‌نامه تنظیم شده و در قانون آئین دادرسی مدنی و سایر قوانین مرتبط، مقررات خاصی راجع به این موضوع یافت نمی‌شود. از این رو، هدف این مقاله آن است تا ضمن تبیین ماهیت دادخواست الکترونیک، انواع خطا یا اشتباه در ثبت مندرجات دادخواست الکترونیک و طرق احتمالی جبران خطا را بررسی کند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که دادخواست الکترونیک نوعی سند الکترونیک عادی مطمئن است و انصراف از مندرجات ناشی از خطا در متن دادخواست الکترونیک یا اصلاح آن‌ها، هرچند که اساساً امکان‌پذیر است، لیکن تابع مقررات آئین دادرسی مدنی در خصوص مورد خواهد بود؛ به این معنا که تا حد امکان بایستی ماهیت اقدام با راهکار اصلاحی با عناوین و نهادهای شناخته‌شده در دادرسی مدنی از قبیل استرداد دادخواست یا دعوا، افزایش یا کاهش یا تغییر خواسته و رفع نقص یا رفع ابهام از دادخواست، تطبیق داده شده و مقررات حاکم بر هر یک از آن‌ها در خصوص مورد مراعات شود. نتایج این پژوهش می‌تواند در ارتقای کیفیت دادرسی و همچنین سرعت و دقت دادرسی مؤثر باشد.

واژگان کلیدی: اصلاح دادخواست، انصراف از دادخواست، دادخواست الکترونیک، دادرسی الکترونیک، سند الکترونیک.

farzadroohbakhsh@gmail.com

dr.s.heidari@gmail.com

ali62rezaee@gmail.com

hojjat.mobayen@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۲

* دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه شیراز

** استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز

*** استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز

**** استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۲۳

سرآغاز

با راه‌اندازی دفاتر خدمات الکترونیک قضایی در سال‌های اخیر، چگونگی تقدیم دادخواست به مراجع قضایی متحول شده و برای خواهان این امکان فراهم شده است که فایل یا متن دادخواست خود را به همراه ضمایم آن به دفتر خدمات الکترونیک قضایی تقدیم کند.^۱ متصدی دفتر آن‌ها را به سند الکترونیک تبدیل کرده، به رؤیت شخص متقاضی می‌رساند و پس از تأیید مطابقت اسناد الکترونیک تهیه شده با اوراق یا فایل ابرازی از سوی وی، آن را از طریق سامانه خدمات الکترونیک قضایی به مرجع ذی‌ربط ارسال می‌کند. ثبت الکترونیک دادخواست ممکن است با خطا یا شبه خطایی همراه شود که منشأ آن می‌تواند عدم دقت کافی از ناحیه کاربر و یا خواهان به ترتیب در ثبت و تطبیق مندرجات، عملکرد نامناسب و اشتباه سامانه الکترونیک و یا نقص عناوین استناداری باشد که توسط طراحان سیستم از قبل پیش‌بینی شده است. حال سؤال این است که این‌گونه خطا و شبه خطاها را چگونه از غیرخطا تشخیص بدهیم؟ آیا این قبیل خطاها قابلیت جبران دارند یا خیر؟ در صورت قابلیت جبران، نحوه اقدام و توجیه حقوقی آن به چه صورتی خواهد بود؟ چه راهکارهای عملی برای پیشگیری از وقوع این‌گونه خطاها وجود دارد؟ به‌علاوه، در شیوه جدید تقدیم دادخواست این ابهام نیز وجود دارد که تاریخ اقامه دعوا چه زمانی است؟ پاسخگویی به این پرسش‌ها مستلزم این است که بدانیم اساساً دادخواستی که به‌صورت الکترونیک نزد دفتر خدمات الکترونیک قضایی به ثبت می‌رسد، واجد چه ماهیتی است؟ اگرچه در تلقی دادخواست الکترونیک به‌عنوان یک نوع سند الکترونیک، تردیدی وجود ندارد لیکن ابهام در این است که سند مزبور در زمره مصادیق کدام یک از انواع سند الکترونیک قرار می‌گیرد؟ اگرچه متصدیان دفاتر خدمات الکترونیک قضایی مأمور رسمی به شمار می‌روند لیکن تلقی دادخواست الکترونیک به‌عنوان سند رسمی الکترونیک با تردید جدی مواجه

۱. دارندگان پروانه وکالت می‌توانند از طریق سامانه خودکاربری وکلا، نسبت به ثبت موقت دادخواست الکترونیک اقدام و پس از طی مراحل تکمیل دادخواست نسبت به ارسال آن به مرجع قضایی اقدام کنند. با توجه به اینکه یکی از اهداف ایجاد سامانه‌های الکترونیک قضایی، تسهیل دسترسی اشخاص به مراجع قضایی است، پیشنهاد می‌شود قوه قضائیه در جهت تحقق این هدف، امکان برخورداری از سامانه خودکاربری را برای کلیه اشخاصی که دارای حساب کاربری ثنا هستند، فراهم کند.

است، زیرا وجود شرایط مقرر در ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی برای شناختن سند سنتی به‌عنوان سند رسمی و ترتب آثار سند رسمی بر آن لازم و کافیت؛ اما در مورد سند الکترونیک، وجود این شرایط برای شناختن سند به‌عنوان سند رسمی الکترونیک لازم است، اما کافی نیست. ابهام و تردید در تبیین ماهیت دادخواست الکترونیک به‌عنوان یکی از مصادیق سند الکترونیک به‌ویژه در حقوق ایران با چالش بیشتری مواجه است، زیرا اساساً تعریفی از اصطلاح «سند الکترونیک» در قوانین ایران ملاحظه نمی‌شود و برای تعریف سند الکترونیک باید اقدام به تفسیر مقررات سنتی ناظر به اسناد کاغذی و ترکیب آن با مفاهیم نوین و موجود در قانون کرد (ابهری، فاطمیان، حسنی، کی‌نیا، ۱۳۹۶: ۷).

علی‌رغم ضرورت و اهمیت تبیین ماهیت دادخواست الکترونیک و بررسی چالش‌های ناشی از آن به‌ویژه در مواردی که ثبت مندرجات دادخواست الکترونیک با خطا یا شبه خطا همراه می‌شود (نحوه تفکیک خطا و شبه خطا در مباحث بعد ذکر شده است)، تاکنون هیچ تحقیق منسجمی در این زمینه در حقوق ایران صورت نپذیرفته است. لذا، در پی آن هستیم که در این نوشتار پس از تبیین ماهیت دادخواست الکترونیک، چالش‌های ناشی از ثبت آن توسط دفاتر خدمات الکترونیک قضایی مشتمل بر خطا در ثبت مندرجات دادخواست الکترونیک و چگونگی انصراف و اصلاح آن، وضعیت اصلاح و انصراف از عناوین استاندارد (شبه خطا)، تاریخ اقامه دعوا و نحوه انصراف از دادخواست الکترونیک را بررسی کنیم و ضمن تحلیل مسائل و ابهام‌های موجود، به ارائه راهکارهای عملی و نوین در راستای حل معضلات دادگستری در زمینه دادخواست الکترونیک پردازیم. به این منظور، پس از بررسی مفاهیم مقدماتی، به تبیین ماهیت دادخواست الکترونیک می‌پردازیم. سپس، تاریخ اقامه دعوا در فرض تقدیم دادخواست الکترونیک بررسی می‌شود. در ادامه، نحوه انصراف از دادخواست الکترونیک و نهایتاً، انواع خطاهای احتمالی در ثبت مندرجات دادخواست الکترونیک و شیوه اصلاح آن‌ها مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱. انواع سند الکترونیک

اسناد الکترونیک را از حیث ارزش و اعتبار آن‌ها به عنوان قسمی از ادله الکترونیک می‌توان به دو دسته اسناد عادی الکترونیک و اسناد رسمی الکترونیک تقسیم کرد.

۱-۱. اسناد الکترونیک عادی

اسناد الکترونیک عادی خود به دو قسم اسناد الکترونیک عادی مطمئن و غیرمطمئن قابل تقسیم است.

۱-۱-۱. اسناد الکترونیک عادی مطمئن

اصطلاح «سند الکترونیک مطمئن» در قانون تجارت الکترونیک ایران وجود ندارد، برخی معتقدند منظور از سند الکترونیک مطمئن، در واقع همان «داده پیام مطمئن» است و عبارت است از داده‌پیامی که با رعایت شرایط یک «سیستم اطلاعاتی مطمئن» ذخیره شده و به هنگام لزوم در دسترس و قابل درک باشد (وصالی ناصح، ۱۳۹۴: ۶۹-۶۸). بند ح ماده دو قانون تجارت الکترونیک در خصوص شرایط سیستم اطلاعاتی مطمئن بیان داشته است که «سیستم اطلاعاتی مطمئن^۱ سیستم اطلاعاتی است که: ۱. به نحوی معقول در برابر سوءاستفاده و نفوذ محفوظ باشد؛ ۲. سطح معقولی از قابلیت دسترسی و تصدی صحیح را دارا باشد؛ ۳. به نحوی معقول متناسب با اهمیت کاری که انجام می‌دهد پیکربندی و سازمان‌دهی شده باشد؛ ۴. موافق با رویه ایمن باشد.»

همچنین به موجب بند «ط» این ماده قانونی «رویه ایمن^۲ رویه‌ای است برای تطبیق صحت ثبت «داده پیام» منشأ و مقصد آن با تعیین تاریخ و برای یافتن هرگونه خطا یا تغییر در مبادله، محتوا و یا ذخیره‌سازی «داده پیام» از یک زمان خاص. یک رویه ایمن ممکن است با استفاده از الگوریتم‌ها یا کدها، کلمات یا ارقام شناسایی، رمزنگاری، روش‌های تصدیق با پاسخ برگشت و یا طرق ایمنی مشابه، انجام شود.» با این وصف،

1. Secure Information System
2. Secure Method

«سند الکترونیک مطمئن» را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «داده‌پیمای که به صورت الکترونیک تولید، ثبت، ذخیره، پردازش، بازیابی، دریافت یا انتقال شده و مبین اطلاعات یا بازنمایی از اطلاعات، داده‌ها، ارقام، علائم و سایر اشکال نمایش نوشتاری است و با رعایت شرایط یک سیستم اطلاعاتی مطمئن ذخیره شده و به هنگام لزوم در دسترس و قابل درک باشد؛ به نحوی که در اثبات اعمال و وقایع حقوقی به کار می‌رود و به واسطه آن حقی مستقر یا تعهدی ساقط یا حقیقتی اثبات یا تأیید شده است».

به موجب ماده ۱۵ قانون تجارت الکترونیک: «نسبت به داده‌پیام مطمئن، سوابق الکترونیک مطمئن، امضای الکترونیک مطمئن، انکار و تردید مسموع نیست و تنها می‌توان ادعای جعلیت به داده‌پیام مزبور وارد و یا ثابت کرد که داده‌پیام مزبور به جهتی از جهات قانونی از اعتبار افتاده است.» اینکه قانون‌گذار «داده‌پیام مطمئن» را غیرقابل انکار و تردید دانسته، نباید موجب این اشتباه شود که مقصود قانون‌گذار این است که سند الکترونیک با محتوای داده‌پیام مطمئن در زمره اسناد رسمی الکترونیک است؛ بالعکس تأکید قانون‌گذار بر این امر است که ارزش سند الکترونیک عادی از نوع مطمئن با نوع کاغذی آن یکسان است و صرفاً از نظر عدم استماع انکار و تردید و لزوم ادعای جعلیت همانند سند رسمی است. شاید بتوان گفت، سند الکترونیک عادی مطمئن، همانند سند عادی کاغذی واجد گواهی امضاء است که از حیث انتساب آن به صادرکننده، نمی‌تواند مورد خدشه و یا تردید قرار گیرد.

۱-۱-۲. سند الکترونیک عادی غیرمطمئن

اصطلاح «سند الکترونیک عادی غیرمطمئن» در قانون وجود ندارد؛ و این نوع سند در واقع همان داده‌پیام عادی محسوب می‌شود. داده‌پیام عادی نیز در واقع داده‌پیمای است که شرایط اطمینان مندرج در ماده ۱۱ را ندارد. به موجب ماده ۱۱ قانون تجارت الکترونیک «سابقه الکترونیکی مطمئن عبارت از داده‌پیمای است که با رعایت شرایط یک سیستم اطلاعاتی مطمئن ذخیره شده و به هنگام لزوم در دسترس و قابل درک است.» مفهوم مخالف این ماده قانونی این است که چنانچه یکی از شرایط مندرج در

این ماده وجود نداشته باشد، آن سابقه الکترونیک مطمئن محسوب نمی‌شود. ذکر عبارت «عوامل مطمئنه» و «ایجاد و نگهداری به طریق مطمئن» در کنار اعتبار این‌گونه داده‌پیام‌ها (داده‌پیام‌های مطمئن) در ماده ۱۳ قانون تجارت الکترونیک نباید ما را به این اشتباه بیندازد که سند الکترونیک با محتوای داده‌پیامی فاقد شرایط اطمینان موضوع این مواد، دارای اعتبار نیست، زیرا به موجب ماده ۶ قانون تجارت الکترونیک، «هر گاه وجود یک نوشته از نظر قانون لازم باشد، «داده‌پیام» در حکم نوشته است؛» همچنین به موجب ماده ۱۲ این قانون، «اسناد و ادله اثبات دعوی ممکن است به صورت داده‌پیام بوده و در هیچ محکمه یا اداره دولتی نمی‌توان بر اساس قواعد ادله موجود، ارزش اثباتی «داده‌پیام» را صرفاً به دلیل شکل و قالب آن رد کرد.»

بنابراین، می‌توان گفت سند الکترونیک عادی (غیرمطمئن) عبارت است از «داده-پیامی که به صورت الکترونیک تولید، ثبت، ذخیره، پردازش، بازیابی، دریافت یا انتقال شده و مبین اطلاعات یا بازنمایی از اطلاعات، داده‌ها، ارقام، علائم و سایر اشکال نمایش نوشتاری است که بدون رعایت شرایط یک «سیستم اطلاعاتی مطمئن» ذخیره شده و ممکن است در اثبات اعمال و وقایع حقوقی به کار گرفته شود.»

۱-۲. اسناد الکترونیک رسمی

اصطلاح «ثبت الکترونیک»^۱ و به تبع آن سردفتر الکترونیک^۲ برای اولین بار در «قانون نمونه سردفتران آمریکا» مصوب سال ۲۰۰۲ توسط انجمن ملی سردفتران ایالات متحده آمریکا وارد ادبیات حقوقی ثبت اسناد شد و در اصلاحیه سال ۲۰۱۰ نیز با جزئیات بیشتری مورد تأکید و توجه قرار گرفته است (Model Notary Act, 2010, Art 5). البته باید یادآوری شود که قانون مذکور بر مبنای دو قانون قدیمی و اصلی در حوزه حقوق فناوری اطلاعات بنا نهاده شده است. این قوانین که عبارت‌اند از «قانون متحدالشکل معاملات الکترونیک»^۳ معروف به یوتا (UETA) و «قانون امضای

1. Electronic Notarization
 2. Electronic Notary
 3. Uniform Electronic Transaction Act 1999

الکترونیک^۱ معروف به ای ساین (ESIGN) در واقع استانداردهای تقنینی مناسبی بودند که بسیاری از قوانین مصوب ملی در حوزه حقوق فناوری اطلاعات از آن‌ها الگوبرداری کرده‌اند. در کشور ایران، اگرچه قانون مشخص و مستقلی در مورد ثبت الکترونیک نداریم، اما قوانین وضع شده در حوزه فناوری اطلاعات تا حدودی با موضوع ثبت و سند الکترونیک ارتباط دارند. مهم‌ترین قوانینی که می‌توان آن‌ها را مورد استناد قرارداد، قانون تجارت الکترونیک ایران (مصوب ۱۳۸۲) و قانون جرائم رایانه‌ای (مصوب ۱۳۸۸) است (وصالی ناصح، ۱۳۹۴: ۷۱).

در بند ۲ بخش ۱۴ قانون نمونه دفاتر اسناد رسمی، دفتر ثبت الکترونیک چنین تعریف شده است: «دفتر ثبت اسنادی که به حکم مرجع صالح دارای قابلیت انجام امور دفاتر ثبت الکترونیک مطابق با مقررات مربوط، شناخته می‌شود.» در باب چهاردهم قانون نمونه دفاتر اسناد رسمی، اصطلاح «الکترونیک» در بند ۱- ۱۴ به «فناوری دارای قابلیت‌های الکترونیک، دیجیتالی (رقومی)، مغناطیسی، بی‌سیم، دیداری (بصری)، الکترومغناطیسی یا موارد مشابه»، تعریف شده است. قسمت اخیر بند با ذکر موارد مشابه، در واقع پیشرفت‌های آینده را لحاظ کرده و از قید انحصار در این زمینه خودداری کرده است. این تعریف به گونه‌ای دیگر دلالت بر قابل استناد بودن مدارکی دارد که وسایل الکترونیک در مورد آن‌ها به کار گرفته شده است (السان، ۱۳۸۵: ۱۴).

با دو نگاه حداکثری و حداقلی می‌توان مفهوم ثبت الکترونیک را مورد توجه قرار داد:

الف. تعریف حداکثری: با رویکرد حداکثری، ثبت الکترونیک شامل هر نوع استفاده و به کارگیری ابزارهای الکترونیک در فرایند سنتی ثبت اسناد کاغذی، می‌شود؛ به عبارت دیگر، هر میزان استفاده از ابزارهای نوین در فرایند ثبت سنتی اسناد را می‌توان داخل در تعریف ثبت الکترونیک دانست؛ مثل تحریر سند با استفاده از رایانه و چاپگر به جای قلم خودکار یا تهیه نسخه پشتیبان الکترونیک از طریق اسکن کردن اسناد به جای بایگانی اسناد کاغذی و یا ثبت اسناد به واسطه سامانه‌های الکترونیک؛

ب. تعریف حداقلی: ثبت الکترونیک سند به مفهوم خاص یعنی استفاده از ابزارهای الکترونیک برای صدور سند الکترونیک بدون استفاده از هیچ‌یک از ابزارها و روش‌های سنتی موجود از قبیل کاغذ و قلم. مشخصه و ممیزه ثبت الکترونیک در این مفهوم، مجازی بودن (الکترونیک بودن) تمام فرایند آن است. در ماده ۳-۱۵ قانون نمونه دفاتر اسناد رسمی ایالات متحده، ثبت الکترونیک این‌گونه تعریف شده است: «ثبت یک سند دارای ماهیت حقوقی توسط یک سردفتر الکترونیک با امضای الکترونیک و مهر الکترونیک بر روی یک سند الکترونیک». (وصالی ناصح، ۱۳۹۴: ۷۳-۷۲)

ثبت الکترونیک سند به مفهوم خاص، به گونه‌ای که با ابزارهای الکترونیک و بدون استفاده از ابزارهای سنتی صورت گرفته باشد، خود متضمن یک «سیستم اطلاعاتی مطمئن»، دارای قابلیت دسترسی و درک موضوع ماده ۱۱ قانون تجارت الکترونیک نیز است. از طرف دیگر به موجب ماده ۱۲۷۸ قانون مدنی «اسنادی که در اداره ثبت اسناد و املاک و یا دفاتر اسناد رسمی یا در نزد سایر مأمورین رسمی، در حدود صلاحیت آنها و بر طبق مقررات قانونی تنظیم شده باشند رسمی هستند». لذا، سند رسمی «سندی است که نزد مأمور رسمی صالح و با رعایت مقررات قانونی تنظیم می‌شود» (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۷۶۷). با این وصف می‌توان گفت سند رسمی الکترونیک عبارت است از «سند الکترونیک که به صورت تمام الکترونیک و مطمئن نزد مأمور رسمی صالح با رعایت مقررات قانونی به ثبت رسیده است».

۲. ماهیت حقوقی دادخواست الکترونیک

برای بررسی ماهیت حقوقی دادخواست الکترونیک، موضوع از سه جنبه قابل توجه است.

۱-۲. دادخواست الکترونیک به عنوان داده پیام

دادخواست الکترونیک در قالب داده پیام‌هایی است که به صورت الکترونیک تولید، ثبت، ذخیره، پردازش، بازیابی، دریافت یا منتقل شده و مبین اطلاعات یا بازنمایی از

اطلاعات، داده‌ها، ارقام، علائم و سایر اشکال نمایش نوشتاری است. قانون نمونه تجارت الکترونیک آنسیترا^۱ ۱۹۹۶ داده‌پیام را «اطلاعاتی می‌داند که از طریق ابزارهای نوری یا ابزارهای مشابه مانند تبادل الکترونیک داده‌ها، پست الکترونیک، تلگرام، تلکس و تلسکوپی تولید، ارسال، دریافت یا ذخیره می‌شود.» در قانون نمونه امضای الکترونیک و کنوانسیون ارتباطات الکترونیک نیز تنها با یک تفاوت جزئی، همین تعریف تکرار شده است؛ قانون تجارت الکترونیک ایران نیز داده‌پیام را چنین تعریف می‌کند: «هر نمادی از واقعه، اطلاعات یا مفهوم است که با وسایل الکترونیکی، نوری و با فناوری‌های جدید اطلاعات تولید، ارسال، دریافت، ذخیره یا پردازش می‌شود.»

از این تعاریف چند نکته قابل استخراج است: نخست، عبارت داده‌پیام تنها محدود به ارتباطات نیست بلکه شامل سوابقی نیز هست که از طریق ابزارهای کامپیوتری تولید شده، ولی نه برای ارتباطات؛ به عبارت دیگر مفهوم پیام شامل سابقه رکورد نیز هست؛ دوم، تمام ابزارها در متن قانون ذکر نشده و تنها برخی بیان شده‌اند و در عین حال محدود به این ابزارها نشده است. لذا مصادیق ذکر شده جنبه تمثیلی دارند نه حصری؛ سوم، در تعریف داده‌پیام از عبارات ابزارهای نوری و ابزارهای مشابه استفاده شده است (حبیب‌زاده، ۱۳۹۰: ۳۲۴). در خصوص سابقه رکورد این نکته حائز اهمیت است که فرانسوی‌ها رکوردها را در قانون مدنی صراحتاً سند نامیده‌اند و در آمریکا در قانون «یوتا» از آن به عنوان سوابق الکترونیک^۲ یاد کرده‌اند و در ماده ۱۰۰۱ قانون فدرال موسوم به قواعد ادله^۳ این نوع دلیل را به همراه سایر موارد تعریف کرده‌اند. در بند ۷ ماده ۲ قانون یوتا نیز سابقه الکترونیک این‌گونه تعریف شده است: «سابقه‌ای است که با وسایل الکترونیک ایجاد، تولید، ارسال، اتصال، دریافت یا ذخیره شده باشد.» (صادقی نشاط، ۱۳۹۳: ۷۴)

برخی از متخصصین فناوری اطلاعات، داده‌پیام را ترکیبی از «داده» و «پیام» می‌دانند، به صورتی که پیام در قالب یک داده اطلاعاتی قرار گیرد. فرهنگ رایانه

1. UNCITRAL Model Law on Electronic Commerce 1996
 2. Electronic Record
 3. Federal Rules of Evidence 2014

مایکروسافت، داده را یک جزء اطلاعاتی معرفی می‌کند (قلی‌زاده نوری، ۱۳۸۳: ۱۱۱). اصولاً استعمال لفظ داده‌پیام به طور کلی دلالت بر تمامی اشکال داده‌پیام دارد و انواع متن، صدا و تصویر را شامل می‌شود (فرهادیان پهرانی، ۱۳۹۰: ۹)؛ لیکن از آنجا که شکل غالب داده‌پیام به صورت متن نوشته است، در برخی مواد، مصادیق متن به عنوان مصداق غالب داده‌پیام ذکر شده است (زرکلام، ۱۳۸۴: ۳۲-۳۱).

دادخواست الکترونیک در دفاتر خدمات الکترونیک قضایی به صورت متن تنظیم شده و به ثبت می‌رسد. در همین راستا، به موجب ماده ۵ آئین‌نامه ارائه خدمات الکترونیک قضایی، چنین مقرر شده است که «در روش اقدام از طریق دفتر، خواهان یا شاکی دادخواست یا درخواست یا شکایت خود را به همراه مستندات آن به دفتر خدمات قضایی تحویل می‌دهد. دفتر مذکور پس از احراز هویت و محاسبه هزینه دادرسی از طریق سامانه و پرداخت الکترونیک آن، اسناد یادشده را به سند الکترونیک تبدیل کرده و به رؤیت متقاضی می‌رساند و پس از تأیید مطابقت اسناد الکترونیک تهیه‌شده با اوراق ابرازی از سوی وی، آن را از طریق سامانه خدمات قضایی به مرجع ذی‌ربط ارسال می‌کند.» عبارت «اسناد یادشده را به سند الکترونیک تبدیل کرده و به رؤیت متقاضی می‌رساند»، در این مقرر قانونی تأکیدی بر شکل غالب داده‌پیام؛ یعنی متن نوشته است. دادخواست الکترونیک را می‌توان از جمله نمونه‌های بارز داده‌پیام تلقی کرد.

۲-۲. دادخواست الکترونیک به عنوان سند الکترونیک

در برخی موارد، همانند ماده ۶ قانون تجارت الکترونیک، واژه‌های «سند الکترونیک» و «داده‌پیام» به جای یکدیگر مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ حال آنکه که تفاوت اساسی بین «سند الکترونیک» و «داده‌پیام» وجود دارد و آن اینکه سند الکترونیک مبین ایجاد یا زوال حق یا تعهد است؛ به عبارت دیگر چنانچه داده‌پیمایی بتواند در دادرسی به عنوان دلیل در قالب سند مورد استفاده قرار گیرد، سند الکترونیک محسوب می‌شود؛ بنابراین سند الکترونیک را می‌توان چنین تعریف کرد «سند الکترونیک

عبارت از داده‌پیمای است که به صورت الکترونیک تولید، ثبت، ذخیره، پردازش، بازیابی، دریافت یا انتقال شده و مبین اطلاعات یا بازنمایی از اطلاعات، داده‌ها، ارقام، علائم و سایر اشکال نمایش نوشتاری است که در اثبات اعمال و وقایع حقوقی به کار می‌رود و به واسطه آن حقی مستقر یا تعهدی ساقط یا حقیقی اثبات یا تأیید شده است.» (ساوری، ۱۳۹۲: ۴۸۷-۴۸۶) از آنجا که دادخواست الکترونیک این قابلیت را دارد که در اثبات اعمال و وقایع حقوقی به کار رود و به واسطه آن حقی مستقر یا تعهدی ساقط یا حقیقی اثبات یا تأیید شود، یک «سند الکترونیک» محسوب می‌شود.

یکی از ویژگی‌های سند الکترونیک خصوصیت فراداده‌ای آن است. فراداده به عنوان داده نصب شده شناخته می‌شود و از لحاظ لغوی به «داده راجع به داده» یا «اطلاعات راجع به اطلاعات» معنا شده است. در حقیقت، فراداده به‌مثابه اطلاعاتی در خصوص یک سلسله داده خاص است که نشان می‌دهد سند چگونه، چه وقت و توسط چه کسی پدید آمده و مورد دسترسی یا تغییر قرار گرفته و اینکه در چه قالبی شکل گرفته است؛ بنابراین فراداده سند مجزایی نیست، بلکه بخش مکمل سند الکترونیک است که سند را توصیف می‌کند. اوراق چاپی یک سند الکترونیک به اندازه کافی مبین محتویات آن نیست و سند الکترونیک بدون فراداده‌ها به‌مثابه «سند تکه تکه شده» تلقی می‌شود. (ساوری، ۱۳۹۲: ۴۶۸)

مطابق ماده ۵ آئین‌نامه اجرایی دفاتر خدمات الکترونیک قضایی، «در روش اقدام از طریق درگاه، خواهان یا شاکی دادخواست یا درخواست^۱ یا شکایت خود را به همراه مستندات مربوطه، به صورت «سند الکترونیک» تبدیل کرده و پس از محاسبه هزینه دادرسی توسط سامانه و پرداخت الکترونیک آن، کد رهگیری را اخذ و با همراه داشتن اصل مستندات، به دفتر مراجعه می‌کند. دفتر پس از تأیید مطابقت «اسناد الکترونیک»

۱. علی‌رغم وجود تفاوت بین دادخواست و درخواست از حیث تشریفات، آثار قانونی و امثال آن و همچنین تصریح ماده ۵۱ قانون آئین دادرسی مدنی مبنی بر اینکه (صرفاً) دادخواست باید در روی برگ‌های چاپی مخصوص نوشته شود، در درگاه مذکور فرم الکترونیک مخصوص پیش‌فرض برای دادخواست و درخواست یکسان است که پیشنهاد می‌شود در بازنگری‌های بعدی فرم پیش‌فرض درخواست از دادخواست تفکیک شود تا درخواست دهنده ناگزیر از رعایت تشریفات دادخواست الکترونیک برای یک درخواست ساده نباشد.

تهیه شده با اوراق ابرازی از سوی متقاضی، آن را از طریق سامانه خدمات الکترونیک قضایی به مرجع ذی ربط ارسال می‌کند». ملاحظه می‌شود که در این ماده از تبدیل «دادخواست» به «سند الکترونیک» بحث شده و روشن است که می‌توان دادخواست الکترونیک را نوعی سند الکترونیک محسوب کرد.

۲-۳. دادخواست الکترونیک به عنوان سند الکترونیک عادی مطمئن

چنانکه بیان شد، دادخواست الکترونیک، یک «سند الکترونیک» است؛ لیکن از حیث اینکه در زمره کدام یک از انواع اسناد الکترونیک است، موضوع نیاز به بررسی بیشتری دارد. برای اینکه دادخواست الکترونیک، سند الکترونیک رسمی محسوب شود، باید واجد دو بعد فنی و حقوقی باشد؛ از بعد فنی به نظر می‌رسد غالباً دادخواست الکترونیک تنظیمی از ناحیه دفتر خدمات الکترونیک قضایی واجد شرایط لازم است، زیرا دادخواست الکترونیک، سند الکترونیک است که به صورت تمام الکترونیک و مطمئن به ثبت رسیده است؛^۱ اما آیا واجد بعد حقوقی نیز است؟ به موجب تبصره ۲ ماده ۶۵۵ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ «قوه قضائیه می‌تواند جهت طرح و پیگیری امور قضایی مراجعان موضوع این قانون، در فضای مجازی نسبت به ایجاد دفاتر خدمات الکترونیک قضایی و جهت هماهنگی فعالیت دفاتر نسبت به ایجاد کانون دفاتر خدمات الکترونیک قضایی با استفاده از ظرفیت بخش خصوصی اقدام کند...»، لذا اصل و جاهت قانونی دفتر خدمات الکترونیک قضایی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است؛ به موجب ماده ۲ آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی مصوب ۱۳۹۵، مرکز فناوری اطلاعات قوه قضائیه موظف است به منظور

۱. البته در برخی موارد، ثبت تمام الکترونیک دادخواست محل تردید است؛ همچون زمانی که دادخواست می‌بایست از ناحیه شخص حقوقی در دفتر خدمات الکترونیک قضایی به ثبت برسد؛ در این گونه موارد اغلب به موجب آگهی ثبت شرکت‌ها درج مهر شرکت در کنار امضای مقام ذی سمت از ناحیه شرکت لازم و ضروری است و این در حالی است که درج مهر ذیل دادخواست از طریق دفتر خدمات الکترونیک قضایی به جهت عدم طراحی در سامانه خدمات الکترونیک قضایی قابلیت انجام ندارد و در چنین وضعیتی در رویه قضایی این امر می‌تواند، به صورت غیرالکترونیک و به موجب درج مهر ذیل صورت جلسه محکمه صورت گیرد.

فراهم ساختن امکان طرح شکایت یا دعوا، ارجاع پرونده، احضار متهم، ابلاغ اوراق قضایی و نیابت قضایی به صورت الکترونیک، سامانه رایانه‌ای لازم را ایجاد کند. واحدهای قضایی و ضابطان قضایی نیز موظف‌اند در فرایندهای تحقیق، رسیدگی و اجرای احکام از سامانه‌های مزبور استفاده کنند و به موجب ماده ۵ آئین‌نامه اجرایی دفاتر خدمات الکترونیک قضایی، ثبت الکترونیک دادخواست بر عهده این دفاتر قرار گرفته است.

اگرچه متصدیان دفاتر خدمات الکترونیک قضایی مأمور رسمی به شمار می‌روند لیکن تلقی دادخواست الکترونیک به عنوان سند رسمی الکترونیک با تردید جدی مواجه است، زیرا وجود شرایط فوق، برای شناختن سند سنتی به عنوان سند رسمی و ترتب آثار سند رسمی بر آن لازم و کافیت؛ اما در مورد سند الکترونیک، وجود این شرایط برای شناختن آن سند به عنوان سند رسمی الکترونیک لازم است، اما کافی نیست؛ در واقع شرط کافی، وجود مبنای قانونی برای انتساب وصف رسمی به سند الکترونیک (دادخواست الکترونیک) است که در وضعیت فعلی علی‌رغم قانونی بودن مرجع ثبت دادخواست الکترونیک و تمام الکترونیک بودن آن، چنین مقرره‌ای وجود ندارد. به علاوه، نقش متصدیان دفاتر خدمات الکترونیک قضایی صرفاً در حد واسطه بین دادخواست‌دهنده و مرجع قضایی است و از حیث تنظیم مندرجات دادخواست نیز صرفاً نوعی نظارت شکلی بر عملکرد دادخواست‌دهنده دارند؛ بنابراین، دادخواست الکترونیک یک «سند الکترونیک عادی مطمئن» محسوب می‌شود که مستنبط از ماده ۱۵ قانون تجارت الکترونیک صرفاً از حیث عدم قابلیت اظهار انکار و تردید و قابلیت طرح ادعای جعل، همانند اسناد رسمی است. وصف مطمئن در خصوص سند الکترونیک عادی شبیه به قید گواهی امضا در خصوص اسناد عادی سنتی است که ضمن حفظ وصف عادی سند، امکان اظهار انکار و تردید نسبت به سند را منتفی می‌سازد.

۳. تاریخ اقامه دعوا موضوع دادخواست الکترونیک

تاریخ اقامه دعوا از جهات مختلفی از جمله در موعد بودن یا نبودن دعوا، تعیین

صلاحیت دادگاه و تعیین قانون حاکم، حائز اهمیت است. ماده ۴۹ قانون آیین دادرسی مدنی در خصوص تاریخ اقامه دعوا در فرض تقدیم دادخواست به روش سنتی مقرر می‌دارد: «مدیر دفتر دادگاه پس از وصول دادخواست باید فوری آن را ثبت کرده، رسیدی مشتمل بر نام خواهان، خوانده، تاریخ تسلیم (روز و ماه و سال) با ذکر شماره ثبت به تقدیم‌کننده دادخواست بدهد و در برگ دادخواست تاریخ تسلیم را قید کند. تاریخ رسید دادخواست به دفتر، تاریخ اقامه دعوا محسوب می‌شود.» همان‌طور که از مفاد این ماده قانونی برمی‌آید در مورد دادخواست سنتی اساساً زمان ارائه دادخواست به مدیر دفتر دادگاه، ثبت، ارائه به مقام ارجاع و متعاقب آن ارجاع و وصول به دفتر شعبه مرجوع الیه یکسان و مشمول یک رویه عرفی است که در رویه معمول طی یک روز اداری صورت گرفته و به پایان می‌رسد اما در مورد دادخواست الکترونیک وضعیت این‌گونه نیست.

از یک طرف با توجه به طراحی مراحل الکترونیک سیستمی در سامانه خدمات الکترونیک قضایی از جمله بازبینی و همچنین تراکم دادخواست‌های الکترونیک ثبت شده، کمبود نیروی انسانی، قطعی برق و سامانه و امثال آن ممکن است در برخی اوقات، ثبت دادخواست و ارجاع و ثبت در شعبه مرجوع الیه، در یک روز اداری به انجام نرسد و از طرف دیگر، اساساً ارائه رسید از ناحیه دفتر دادگاه منتفی است؛ لذا در چنین وضعیتی، سؤال این است که تاریخ اقامه دعوی چه زمانی است؟ زمان اتمام ثبت الکترونیک دادخواست، زمان ارجاع یا زمان ثبت در نزد شعبه مرجوع الیه؟ پاسخ به این پرسش به ویژه زمانی که طرح دعوا مقید به موعد قانونی خاصی است، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. قوانین جاری کشور در این خصوص ساکت است. به موجب ماده ۲۶ قانون تجارت الکترونیک «ارسال داده‌پیام زمانی تحقق می‌یابد که به یک سیستم اطلاعاتی خارج از کنترل اصل‌ساز یا قائم مقام وی وارد شود.» به موجب ماده ۲۷ این قانون «زمان دریافت داده‌پیام مطابق شرایط زیر خواهد بود:

الف. اگر سیستم اطلاعاتی مخاطب برای دریافت داده‌پیام معین شده باشد، دریافت

زمانی محقق می‌شود که:

۱. داده‌پیام به سیستم اطلاعاتی معین شده وارد شود؛ یا
 ۲. چنانچه داده‌پیام به سیستم اطلاعاتی مخاطب غیر از سیستمی که منحصرأ برای این کار معین شده، وارد شود داده‌پیام بازیافت شود؛
 ب. اگر مخاطب یک سیستم اطلاعاتی برای دریافت معین نکرده باشد، دریافت زمانی محقق می‌شود که داده‌پیام وارد سیستم اطلاعاتی مخاطب شود.»
 اما باید توجه داشت آن‌گونه که ماده ۴۹ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر داشته، وصول دادخواست نزد مدیر دفتر دادگاه (دفتر کل) ملاک تعیین تاریخ اقامه دعواست نه نزد مقام ارجاع (کارتابل ارجاع با مندرجات دادخواست الکترونیک) و از طرف دیگر، در سامانه خدمات الکترونیک قضایی دادخواست پس از ثبت در دفتر خدمات الکترونیک قضایی ابتدائاً در کارتابل مقام ارجاع قرار می‌گیرد و مستقیماً به یکی از شعب ارجاع می‌شود و اساساً ارائه دادخواست به مدیر دفتر دادگاه (دفتر کل) منتفی است و ممکن است با یک فاصله زمانی ابتدا دادخواست به کارتابل مقام ارجاع واصل شده و سپس در زمان دیگری به شعبه مرجوع‌الیه ارجاع شود؛ بنابراین با توجه به عدم ارائه دادخواست به مدیر دفتر دادگاه (دفتر کل) و همچنین وجود واسطه مقام ارجاع بین سامانه ثبت دادخواست الکترونیک و شعبه مرجوع‌الیه، پرسش همچنان باقی است؛ به عبارت دیگر در تعیین تاریخ اقامه دعوی، بین ماده ۴۹ قانون آیین دادرسی مدنی و مواد ۲۶ و ۲۷ قانون تجارت الکترونیک، تعارض وجود دارد. به نظر می‌رسد که برای حل این تعارض، بایستی قواعد سنتی ناظر به ثبت دادخواست را بر اساس ویژگی‌های دادخواست الکترونیک تفسیر کرد.

به موجب ماده ۴۹ قانون آیین دادرسی مدنی سه مقدمه برای تشخیص تاریخ اقامه دعوی در شیوه سنتی وجود دارد که هر کدام باید مورد ارزشیابی قرار گرفته و جایگاه آن‌ها در تعیین تاریخ مذکور روشن شود: «وصول دادخواست به دفتر دادگاه»، «ثبت دفتر کل» و «تسلیم رسید دفتر به تقدیم کننده»؛ آنچه دارای اهمیت است، اینکه اساساً به موجب همین مقررہ سنتی نیز «وصول دادخواست به دفتر دادگاه»، رکن اصلی تقدیم دادخواست و دارای ارزش ثبوتی است، زیرا قبل از وصول دادخواست سنتی به دفتر

دادگاه، دادخواست تحت استیلاي خواهان است و او در تقديم يا عدم تقديم به دفتر دادگاه مختار است؛ لذا تا زمانی که وی دادخواست را به دفتر دادگاه تقديم نکند، دادخواست از استیلاي خواهان خارج نشده و نمی‌توان تصور کرد که دعوی اقامه شده باشد؛ اما موارد دوم و سوم از ارکان تقديم دادخواست نیستند، بلکه از تکالیف مدیر دفتر دادگاه شمرده می‌شوند و ارزش اثباتی در تعیین تاریخ اقامه دعوی دارند، زیرا تخلف مدیر دفتر و عدم انجام تکلیف ثبت دادخواست و یا تقديم رسید، موجب موجهی برای به تأخیر افتادن تاریخ اقامه دعوی نخواهد بود و اگر چنین باشد، تأخیر، تعلل و تخلف مدیر دفتر دادگاه از انجام وظایف قانونی ثبت و تقديم رسید، می‌تواند موجب زوال ارزش ثبوتی تاریخ واقعی وصول دادخواست شود که این امر به تضییع حق خواهان از حیث تاریخ اقامه دعوا منتهی می‌شود. در حالی که بر اساس موازین حقوقی عدم انجام تکلیف قانونی شخص نمی‌تواند موجب زوال حق دیگری شود، کما اینکه عوامل خارجی همچون قطعی سیستم رایانه و امثال آن نیز نمی‌تواند، چنین اثری به دنبال داشته باشد؛ بنابراین به نظر می‌رسد، ملاک تعیین‌کننده تاریخ اقامه دعوی، خروج دادخواست از استیلاي خواهان و وصول آن به دفتر دادگاه است و ثبت دادخواست و تقديم رسید از تکالیف مدیر دفتر دادگاه و دارای ارزشی اثباتی هستند.

حال با توجه به مقدمه مذکور باید دید که ملاک مذکور چگونه قابل تسری به تاریخ اقامه دعوی موضوع دادخواست الکترونیک است. در مورد دادخواست سنتی اولین مرجعی که دادخواست در آن مرجع به ثبت می‌رسد، دفتر دادگاه (دفتر کل) است و قید عبارت «فوری آن را ثبت کرده» در ماده فوق‌الذکر بلافاصله پس از عبارت «وصول دادخواست»، به روشنی گواه این مطلب است. لذا به نظر می‌رسد قانون‌گذار آگاهانه اولین مرجعی که با وصول دادخواست، تکلیف قانونی به ثبت آن داشته را به عنوان مرجع تعیین‌کننده تاریخ اقامه دعوی در نظر گرفته است؛ به عبارت دیگر، به جهت وابستگی تاریخ اقامه دعوی به ثبت دادخواست و اینکه دفتر دادگاه اولین مرجع قانونی ثبت دادخواست بوده، قانون‌گذار تکلیف ارائه رسید که گواه تاریخ تقديم دادخواست است را بر عهده مدیر دفتر دادگاه گذاشته است.

در مورد روند دادخواست الکترونیک در شهرهایی که ثبت دادخواست الکترونیک الزامی است، اولین مرجع وصول دادخواست، به معنای خروج متن یا فایل تقدیمی دادخواست‌دهنده جهت ثبت در قالب دادخواست الکترونیک از تحت استیلای خواهان، دفتر خدمات الکترونیک قضایی است نه دفتر دادگاه؛ و اساساً ارائه دادخواست به مدیر دفتر دادگاه (دفتر کل) منتفی است.^۱ بنابراین می‌توان در سکوت قانون نسبت به تاریخ اقامه دعوا از طریق دادخواست الکترونیک با استنباط از روح حاکم بر ماده قانونی فوق‌الذکر معتقد بود همان‌طور که مرجع تعیین‌کننده تاریخ تقدیم دادخواست سنتی دفتر دادگاه (دفتر کل) به اعتبار اولین مرجع وصول و ثبت دادخواست سنتی بوده است، در مورد دادخواست الکترونیک نیز مرجع تعیین‌کننده تاریخ اقامه دعوی، دفتر خدمات الکترونیک قضایی به اعتبار اولین مرجع وصول و ثبت دادخواست الکترونیک (از جهت ثبوتی) و ارائه کد رهگیری از ناحیه دفتر خدمات الکترونیک قضایی به دادخواست‌دهنده نیز به منزله رسید است (از جهت اثباتی).

در رویه معمول دفاتر خدمات الکترونیک قضایی به ویژه در مورد دادخواست‌های الکترونیک که دارای مهلت قانونی از جمله واخواهی و تجدیدنظرخواهی هستند، در صورت مراجعه دادخواست‌دهنده به دفتر خدمات الکترونیک قضایی و مواجهه کاربر این دفاتر با قطعی سیستم یا برق و به تعویق افتادن ثبت دادخواست الکترونیک به وقت اداری دیگر، این دفاتر یک گواهی به تقدیم‌کننده فایل یا متن ارائه می‌کنند مبنی بر اینکه دادخواست‌دهنده در تاریخی معین جهت ثبت دادخواست با ارائه فایل یا متن به دفتر مذکور مراجعه کرده، لیکن به جهت قطعی سیستم یا برق، ثبت دادخواست به روز دیگری موکول شده و غالباً در رویه قضایی تاریخ مزبور به عنوان تاریخ تقدیم

۱. به موجب ماده ۸ آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی «مقام ارجاع، شکایت یا دادخواست ثبت شده را با رعایت تخصص و ترتیب وصول، فوراً از طریق سمپ به یکی از شعب ارجاع می‌دهد. پس از ارجاع پرونده، شماره یکتای کشوری، ردیف فرعی، شماره بایگانی و رمز پرونده، توسط سمپ ارائه خواهد شد که باید از طریق ابزارهای الکترونیک مانند پیامک یا پست الکترونیک در اختیار تقدیم‌کننده دادخواست یا شکایت قرار گیرد.» قید «دادخواست ثبت شده» قبل از ارجاع در این ماده قانونی به خوبی حکایت از آن می‌کند که در روند دادخواست الکترونیک اولین مرجع ثبت دادخواست الکترونیک دفاتر خدمات الکترونیک قضایی هستند.

دادخواست الکترونیک محسوب می‌شود. البته می‌توان گفت تاریخ اقامه دعوی موضوع دادخواست الکترونیک هنوز هم در رویه قضایی محل تردید و چالش است. در مورد ثبت دادخواست الکترونیک از طریق سامانه خودکاربری وکلا، با توجه به اینکه ثبت دادخواست در این سامانه تا زمانی که منتهی به ارسال به مرجع قضایی و اخذ رسید تقدیم دادخواست نشده، به صورت موقت است،^۱ به نظر می‌رسد تا زمانی که نسبت به ارسال دادخواست از ناحیه وکیل به مرجع قضایی اقدام نشده باشد، به جهت اینکه از یک طرف دادخواست تحت استیلا وکیل است و از طرف دیگر او در ثبت نهایی دادخواست (ارسال به مرجع قضایی) مختار است؛ نمی‌توان تصور کرد که دعوی اقامه شده باشد. چنانچه وکیل نسبت به ارسال دادخواست به مرجع قضایی (ثبت نهایی دادخواست) اقدام کند، تاریخ ارسال که در واقع به معنای ثبت نهایی دادخواست است، تاریخ اقامه دعوی خواهد بود.

۴. انصراف از دادخواست الکترونیک

به موجب ماده ۱۰۷ قانون آیین دادرسی مدنی، نهاد استرداد دادخواست و دعوا محصور به حالات سه‌گانه مندرج در این ماده قانونی است و اساساً استرداد دادخواست و دعوا قبل از تاریخ اقامه دعوا بی‌معناست، زیرا تا زمانی که خواهان اقامه دعوی نکرده، اساساً دادخواست اگرچه به امضای او رسیده باشد نزد خود اوست و بر تقدیم یا عدم تقدیم آن استیلا دارد، لیکن در مورد دادخواست سنتی چنانچه قبل از ارجاع دادخواست به شعبه مرجوع‌الیه، هزینه دادرسی پرداخت شود، هزینه دادرسی قابلیت استرداد ندارد؛ اما در مورد وضعیت حقوقی دادخواست الکترونیک رویه قضایی بین دو نهاد انصراف و استرداد قائل به تفکیک است. آنچه برحسب تجارب شخصی از موضع رویه قضایی

۱. آخرین مرحله تکمیل روند دادخواست الکترونیک از طریق خودکاربری وکلا پس از ثبت موقت دادخواست، ارسال به مرجع قضایی است که پس از آن، تاریخ تقدیم دادخواست در سامانه مذکور درج می‌شود. با توجه به اهمیت تاریخ مذکور، پیشنهاد می‌شود در بازنگری‌های فنی سامانه مذکور، ترتیبی اتخاذ شود تا همانند برخی فرایندهای آنلاین در مواردی همچون اختلال یا قطعی سیستم و به تعویق افتادن ثبت نهایی دادخواست الکترونیک (ارسال به مرجع قضایی)، مدت‌زمان اختلال یا قطعی سیستم به صورت اتوماتیک محاسبه شده و با لحاظ آن نسبت به درج تاریخ تقدیم دادخواست در سامانه اقدام شود.

حاصل شده این است که رویه محاکم انصراف را مربوط به زمانی می‌داند که دادخواست الکترونیک نزد دفتر خدمات الکترونیک قضایی ثبت شده لیکن هنوز به مرحله ارجاع و ثبت شعبه مشخصی نرسیده است؛ ولی استرداد دادخواست مربوط به حالتی است که دادخواست الکترونیک پس از ارجاع، در نزد دفتر شعبه دادگاه ثبت شده است. علی‌الظاهر در رویه معمول انصراف خواهان از پیگیری دادخواست الکترونیک ثبت شده از طریق دفاتر خدمات الکترونیک قضایی به همراه استرداد هزینه دادرسی پرداختی مقدور است؛ کما اینکه در فرم پیش‌بینی شده برای این امر^۱ که مربوط به عودت مبلغ هزینه دادرسی دادخواست الکترونیک است، یکی از گزینه‌ها انصراف متقاضی قید شده است که به نظر می‌رسد طراحان آن مفهوم حقوقی انصراف را از استرداد بازشناسی کرده‌اند. چنانچه اعتقاد به امکان انصراف از دادخواست الکترونیک که به ثبت دفتر خدمات الکترونیک قضایی رسیده لیکن هنوز به مرحله ارجاع و ثبت شعبه مشخصی نرسیده است، بر پایه دیدگاهی باشد که تاریخ اقامه دعوی موضوع دادخواست الکترونیک را تاریخ ارجاع آن به شعبه معین و بالتبع ثبت شعبه مرجوع الیه می‌داند، قابل توجیه است، زیرا در چنین فرض و دیدگاهی، از یک طرف با ثبت دادخواست الکترونیک در دفتر خدمات الکترونیک قضایی دادخواست الکترونیک از استیلائی ارائه‌کننده آن خارج می‌شود و از طرف دیگر، هنوز اقامه دعوی محقق نشده است تا معتقد به راهکار استرداد دادخواست موضوع ماده قانونی اخیرالذکر باشیم. مع هذا، به عقیده نگارنده تاریخ اقامه دعوی موضوع دادخواست الکترونیک همان تاریخ ثبت دادخواست توسط دفتر خدمات الکترونیک قضایی است و بر این اساس، به نظر می‌رسد اعتقاد به امکان انصراف از دادخواست الکترونیک با وجود نهاد قانونی استرداد دادخواست، مغایر با مواد ۴۹ و ۱۰۷ قانون آیین دادرسی مدنی و فاقد وجهت قانونی است. مضافاً اینکه به جهت لزوم شفافیت و آثار قانونی تصمیم‌های مختومه‌کننده و امکان تعرض طرفین نسبت به این گونه تصمیم‌ها، لازم است اتخاذ هرگونه تصمیم نفیاً یا اثباتاً نسبت به درخواست انصراف، توسط قاضی محکمه صورت پذیرد. لذا پیشنهاد

۲. مندرج در سایت <http://saha.adliran.ir> (منبعی به غیر از سایت مذکور یافت نشد).

می‌شود مقام ارجاع، دادخواست الکترونیک که نزد دفتر خدمات الکترونیک قضایی ثبت شده یا از طریق سامانه خودکاربری وکلا ارسال شده است را حتی در فرض انصراف، مستند به ماده ۸ آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی از طریق سمپ به یکی از شعب ارجاع دهد تا هرگونه تصمیم در این خصوص از ناحیه قاضی محکمه اتخاذ شود. با این وجود، در وضعیت فعلی که مطابق رویه معمول به‌ویژه بر پایه دیدگاهی که در مورد دادخواست الکترونیک، تاریخ ارجاع را تاریخ اقامه دعوی می‌داند، انصراف از دادخواست الکترونیک مقدور است، می‌توان گفت استرداد هزینه دادرسی با عدالت و انصاف سازگارتر است. در فرضی که دادخواست از طریق خودکاربری وکیل ثبت می‌شود، اگرچه تا زمانی که نسبت به ثبت نهایی دادخواست (ارسال به مرجع قضایی) اقدام نشده است به جهت عدم تصور اقامه دعوی، وضعیت انصراف به مفهوم فوق سالبه به انتفای موضوع است. با این حال چنانچه هزینه دادرسی پرداخت شده باشد به قید اولویت استرداد هزینه با عدالت و انصاف سازگارتر است و با توجه به اینکه مرحله ارسال دادخواست به مرجع قضایی پس از مرحله پرداخت هزینه دادرسی است، پیشنهاد می‌شود در این سامانه قبل از مرحله ارسال دادخواست به مرجع قضایی و در واقع همان ثبت نهایی دادخواست، مرحله انصراف از تکمیل دادخواست و بازگشت هزینه‌های پرداخت‌شده به صورت سیستمی پیش‌بینی شود تا چنانچه وکیل پس از پرداخت هزینه، بنا به هر علتی از ادامه روند تکمیل دادخواست و ارسال آن به مرجع قضایی منصرف شد، به سهولت بتواند از ادامه مسیر تکمیل دادخواست انصراف حاصل کرده و هزینه‌های پرداختی به صورت سیستمی به حساب کاربری وی اعاده شود.

حال سؤالی که باقی می‌ماند این است که بر فرض پذیرش انصراف از دادخواست الکترونیک آیا انصراف از دادخواست الکترونیک به معنای انتفای این سند الکترونیک و زوال آثار آن است؟ برای پاسخ به این سؤال ابتدا باید بررسی کنیم چه زمانی یک سند الکترونیک واجد اثر می‌شود. بنا بر آنچه بیان شد، دادخواست الکترونیک یک سند الکترونیک عادی مطمئن است و از لوازم چنین سند الکترونیک این است که با رعایت

شرایط یک «سیستم اطلاعاتی مطمئن» ذخیره شده و مستنبط از بند چهارم قسمت ح ماده ۲ قانون تجارت الکترونیک، چنین سیستمی می‌بایست موافق با رویه ایمن باشد و به موجب بند «ط» این ماده قانونی «رویه ایمن^۱» رویه‌ای است برای تطبیق صحت ثبت «داده‌پیام» منشأ و مقصد آن با تعیین تاریخ و برای یافتن هرگونه خطا یا تغییر در مبادله، محتوا و یا ذخیره‌سازی «داده‌پیام» از یک زمان خاص. یک رویه ایمن ممکن است با استفاده از الگوریتم‌ها یا کدها، کلمات یا ارقام شناسایی، رمزنگاری، روش‌های تصدیق با پاسخ برگشت و یا طرق ایمنی مشابه انجام شود. با تأکید به قسمت انتهایی این مقرر قانونی، به نظر می‌رسد به محض اینکه مراحل ثبت یک سند الکترونیک با استفاده از کدها، رمزنگاری و امثال آن در راستای قابلیت انتساب داده‌پیام موضوع فصل دوم این قانون به پایان می‌رسد، آن سند الکترونیک مستنبط از ماده ۱۴ این قانون واجد اثر حقوقی است.

بنابراین به محض ثبت امضاء دادخواست مزبور از طریق استفاده از قلم نوری به عنوان آخرین مرحله ثبت تمام الکترونیک دادخواست و در واقع با تولید یک دادخواست الکترونیک آنچه به ثبت رسیده، یک سند الکترونیک مطمئن و طبق ماده ۱۴ قانون تجارت الکترونیک واجد آثار حقوقی است و انصراف بعدی خواهان به معنای ابطال سندی که مطابق مقررات قانونی و به صورت الکترونیک به ثبت رسیده نخواهد بود؛ لذا انصراف صرفاً به معنای عدم تمایل خواهان به رسیدگی و جلوگیری از به جریان افتادن آن و دارای آثاری از جمله استرداد هزینه دادرسی است و لیکن دادخواست مذکور کماکان یک سند الکترونیک مطمئن تلقی شده و مندرجات آن برحسب مورد دارای آثار قانونی مربوطه است.^۲ مع هذا، چنانچه انصراف مربوط به قبل

1. Secure Method

۲. دادخواست الکترونیک یک «سند الکترونیک عادی مطمئن» محسوب می‌شود که حتی در فرض انصراف و استرداد نیز واجد اعتبار از حیث سندیت است و هر ذی‌نفعی می‌تواند به آن استناد کند. به عنوان نمونه، چنانچه خواهان به شرح دادخواست الکترونیک اظهار بر دریافت مبلغ یکصد میلیون تومان از مطالبات خویش موضوع پیمان فی‌مابین خود و خواننده، از شخص ثالثی کرده و مابقی به میزان پنجاه میلیون تومان را مطالبه کرده باشد، بر فرض انصراف و استرداد که به منزله عدم تمایل به رسیدگی یا ادامه آن نسبت به مطالبه مبلغ پنجاه میلیون تومان است، هر ذی‌نفعی من جمله خواننده و شخص ثالث

از تمامیت مراحل ثبت الکترونیک دادخواست و امضای آن از طریق قلم نوری باشد، داده‌های ثبت شده قبل از تمامیت مراحل ثبت و امضاء با قلم نوری، به جهت اینکه در این مرحله هنوز سند الکترونیک به مفهوم حقوقی آن تولید نشده، فاقد اثر است و چه بسا چنین داده‌هایی در صورت امکان بازیابی، قابلیت استناد به عنوان یک اماره قضایی را داشته باشند.

۵. خطا در ثبت مندرجات دادخواست الکترونیک و چگونگی

انصراف و اصلاح آن

خطا که برگردان "Error" است، ناظر به اقدام‌هایی است که به غلط توسط بکارگیرنده واسطه‌های الکترونیک صورت پذیرفته است. این خطاها یا ناشی از فعل انسانی است، برای مثال نوشتن (تایپ) اشتباه و یا انتخاب (کلیک) گزینه و یا لمس کلیدی به طور ناخواسته و یا ناشی از عملکرد نامناسب و اشتباه سامانه پیام خودکاری^۱ یا نماینده الکترونیک^۲ است که مورد استفاده واقع می‌شود (رضایی و رهبری، ۱۳۹۴: ۴). خطای صورت گرفته در ثبت مندرجات دادخواست الکترونیک از برخی جهات قابل تقسیم‌بندی است که اهم آن عبارت‌اند از:

الف. خطا از حیث عامل آن به خطای کاربر، خطای سیستم و خطای دادخواست دهنده قابل تقسیم است؛

ب. خطا از حیث میزان اثر آن به خطایی که به اساس مفاد دادخواست لطمه می‌زند (خطای اساسی) یا خطایی که به اساس مفاد دادخواست لطمه نمی‌زند (خطای غیراساسی) قابل تقسیم است.

در ادامه انواع خطا و نحوه انصراف از مندرجات ناشی از خطا و شبه خطا و اصلاح آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پرداخت‌کننده می‌تواند در دعوی خود به «اظهار خواهان حسب سند الکترونیک دادخواست بر دریافت مبلغ یک‌صد میلیون تومان از پیمان» استناد کنند.

1. System Message Automated
2. Electronic Agent

۵-۱. انواع خطا

خطای ایجاد شده در فرآیند ثبت دادخواست الکترونیک از دو جنبه قابل تقسیم‌بندی است.

۵-۱-۱. انواع خطا از حیث عامل آن

خطا در ثبت مندرجات دادخواست الکترونیک از حیث عامل آن ممکن است ناشی از خطای کاربر، خطای سیستم یا خطای دادخواست‌دهنده باشد. اگرچه گاهی خطا مربوط به سیستم است؛ به عنوان نمونه تحریر عدد «۲۰۰۰» در فایل ورد که به اشتباه به صورت «۰۰۰۲» در متن نوشتاری سیستمی در سامانه خدمات الکترونیک قضایی درج شده است^۱، لیکن با توجه به اینکه در دفتر خدمات الکترونیک قبل از ثبت نهایی دادخواست، رونوشتی از آن (به صورت اخذ پرینت از سیستم) در اختیار دادخواست‌دهنده گذاشته می‌شود تا آن را کنترل و اصلاح کند و پس از تأیید کتبی آن از ناحیه دادخواست‌دهنده، متن تأییدشده به صورت الکترونیک ثبت می‌شود، لذا غالباً خطای سیستمی نیز به خطای انسانی ناشی از عدم دقت در کنترل و تأیید آن منتهی می‌شود. در فرضی که ثبت دادخواست از طریق سامانه خودکاربری و کلاً صورت گرفته است، موضوع آشکارتر است، زیرا اساساً در این وضعیت مندرجات دادخواست توسط خود وکیل به صورت مستقیم ثبت و سپس توسط وی به مرجع قضایی ارسال شده است.

خطای ناشی از کاربر دفتر خدمات الکترونیک قضایی نیز معمولاً با خطای ناشی از عدم کنترل دقیق دادخواست‌دهنده ممزوج شده و غالباً یک خطا از این حیث قابل تصور است و آن خطای مشترک کاربر و دادخواست‌دهنده ناشی از عدم کنترل دقیق مفاد دادخواست قبل از ثبت نهایی آن است.

۱. گاهی علی‌رغم تایپ اعداد به صورت صحیح توسط دادخواست‌دهنده یا کاربر در فایل Word، هنگام کپی آن در متن نوشتاری سیستمی در سامانه خدمات الکترونیک قضایی، اعداد به صورت نامرتب درج می‌گردند. چنین خطایی بدو ناشی از سیستم و نهایتاً متناسب به دادخواست‌دهنده از حیث عدم دقت در کنترل نهایی متن است.

۵-۱-۲. انواع خطا از حیث میزان اثر

خطا در ثبت مندرجات دادخواست الکترونیک را از حیث میزان تأثیر آن، می‌توان به خطای اساسی و غیراساسی تقسیم کرد. برای روشن شدن اینکه اساس دادخواست چیست، می‌توان از وحدت ملاک مواد ۳۰۹ و ۴۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی در باب تصحیح رأی در فرض وقوع سهو قلم استفاده کرد. بر این اساس، ملاک تشخیص اساسی بودن خطا، ماهیت و شکل مندرجات دادخواست است؛ چنانچه خطایی مربوط به شکل مندرجات دادخواست باشد مانند خطا در شمارگان و اعداد و یا خطا در شکل مشخصات طرفین و امثال آن، این‌گونه خطاها اساسی نیستند اما خطاهایی که مربوط به ماهیت مندرجات دادخواست است، همچون خطا در ثبت ماهیت توصیف و قواعد حقوقی و ماهیت نام و نام خانوادگی طرفین (هویت طرفین)، اساسی محسوب می‌شوند؛ به عبارت دیگر، خطای اساسی منجر به قلب ماهیت شده و مستلزم تغییر اساسی است حال آنکه خطای غیراساسی منجر به نقص جزئی در شکل شده و مستلزم تغییر جزئی است. باید توجه داشت که وصف شکلی و ماهوی در خصوص هر کدام از مندرجات دادخواست قابل تصور است؛ به عنوان نمونه چنانچه نام خواننده در متن یا فایل ارائه شده دادخواست دهنده «لیلا» باشد، ولی به صورت خطا در دادخواست الکترونیک «لبلا» قید شده باشد، خطای مشترک کاربر (تایپ حرف «ب» به جای «ی») و دادخواست دهنده (از حیث عدم کنترل دقیق نام کوچک خواننده هنگام تأیید مندرجات دادخواست)، یک خطای شکلی است که به اساس نام مذکور که یکی از مندرجات دادخواست است، لطمه‌ای وارد نمی‌کند؛ ولی اگر نام «لیلا» به صورت خطا در دادخواست الکترونیک «لعیا» قید شده باشد که در این صورت خطای مشترک کاربر و دادخواست دهنده مربوط به ماهیت نام کوچک خواننده است، یک خطای اساسی محسوب می‌شود. در این مثال به خوبی روشن است که خطا در ثبت الکترونیک نام کوچک خواننده به عنوان یکی از مندرجات دادخواست الکترونیک، می‌تواند ماهوی یا شکلی باشد. البته تأکید می‌شود مقصود ما از ورود لطمه اساسی یا عدم آن، نسبت به هر کدام از مندرجات دادخواست الکترونیک به صورت جداگانه است، نه الزاماً به کل

دادخواست الکترونیک.^۱ هر چند که رابطه این دو عموم و خصوص مطلق است، به گونه‌ای که هر خطایی در مندرجات که لطمه اساسی به کلیت دادخواست وارد می‌آورد، خطای اساسی نسبت به مندرجات نیز محسوب می‌شود، لیکن هر خطایی که موجب لطمه اساسی به یک یا چند مورد از مندرجات دادخواست است، الزاماً موجب لطمه اساسی به کلیت دادخواست الکترونیک نمی‌شود.

۲-۵. تمیز مفهوم انصراف از اصلاح

انصراف به معنای بازگشت (عدول) از خطای صورت گرفته و اصلاح به معنای تصحیح آن است؛ بنابراین، در مورد انصراف اساساً مندرجات موضوع انصراف کأن لم یکن تلقی شده و جزء مندرجات دادخواست الکترونیک محسوب نمی‌شوند اما در مورد اصلاح، مندرجات موضوع اصلاح با لحاظ اصلاح به عمل آمده، جزء مندرجات دادخواست الکترونیک محسوب می‌شود کما اینکه در مورد رأی اصلاحی (تصحیحی) موضوع ماده ۳۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی نیز آنچه موضوع رأی اصلاحی قرار می‌گیرد (نسخه اصلاحی سهو قلم) به عنوان جزئی از رأی قلمداد می‌شود که با این وصف، علیرغم بازگشت‌پذیری اثر اصلاح و انصراف به لحظه ثبت مندرجات دادخواست الکترونیک در دفتر خدمات الکترونیک قضایی، تمایز اساسی انصراف از اصلاح، کأن لم یکن تلقی شدن مندرج یا مندرجات ناشی از خطا در مورد اول و جایگزینی مندرج یا مندرجات اصلاحی به جای مندرج یا مندرجات ناشی از خطا در مورد دوم است.

۳-۵. انصراف از مندرجات ناشی از خطا در دادخواست الکترونیک و اصلاح آن

اگرچه دادخواست الکترونیک یک سند الکترونیک مطمئن و مشمول مقررات

۱. به عنوان نمونه وقتی به جای لایلا موسوی، لعیلا موسوی یا به جای مهری محمدی، مهدی محمدی درج شده است؛ اگرچه این خطا ماهوی است به این معنا که ماهیت نام تغییر می‌یابد و چه بسا در اداره ثبت‌احوال هر کدام از نام و نام خانوادگی‌های مذکور با کد ملی جداگانه متعلق به هویت‌های مختلفی باشد لیکن لطمه اساسی صرفاً متوجه نام مذکور به عنوان یکی از مندرجات دادخواست است نه متوجه کل دادخواست که دربرگیرنده کل مندرجات آن است.

راجع به این اسناد است، لیکن سندی است که شکل، نحوه تنظیم، انصراف و تغییر آن صرفاً در چارچوب مقررات آیین دادرسی مدنی صورت می‌پذیرد و از این جهت متفاوت از سایر اسناد الکترونیک است؛ به عنوان نمونه اگرچه طبق مقررات عمومی، اصلاح و ابطال اسناد الکترونیک از طریق طرح دعوی متناسب حقوقی امکان‌پذیر است، لیکن در مورد دادخواست الکترونیک یقیناً چنین اقدامی ممکن نیست؛ بنابراین مقصود از انصراف و اصلاح مندرجات سند الکترونیک دادخواست، صرفاً اقدام در چارچوب مقررات آیین دادرسی مدنی و با رعایت تشریفات مربوطه در طول جریان دادرسی است.

ماده ۱۴ کنوانسیون سازمان ملل متحد درباره استفاده از ارتباطات الکترونیکی در قراردادهای بین‌المللی (۲۰۰۵) با عنوان «خطا در ارتباطات الکترونیک»^۱ چنین مقرر داشته که «۱. در مواردی که شخص حقیقی خطایی در ارتباط الکترونیک انجام می‌دهد که با سیستم پیام خودکار طرف دیگر مبادله می‌شود و سیستم پیام خودکار به آن شخص، فرصت تصحیح خطا را نمی‌دهد، آن شخص یا شخصی که از طرف او این کار انجام شده، حق دارد تا از آن بخش از ارتباط الکترونیک که خطا در آن رخ داده اعلام انصراف کند، مشروط بر آنکه الف. شخص یا کسی که از طرف او اقدام می‌کند، در اولین فرصت پس از آگاهی از خطا به اطلاع طرف دیگر برساند که خطایی در ارتباط الکترونیک از ناحیه او صورت گرفته است. ب. شخص یا کسی که از سوی او اقدام می‌کند از کالاها یا خدمات در فرض تسلیم آنها از طرف دیگر، نفع یا ارزش قابل توجهی نبرده یا تحصیل نکرده باشد. ۲. این ماده بر اعمال هر قاعده حقوقی که ممکن است بر آثار خطا (غیر از آنچه در بند ۱ مقرر شده) حاکم باشد، اثری نخواهد داشت.»^۲

1. Error in Electronic Communications

2. Article 14:

1. Where a natural person makes an input error in an electronic communication exchanged with the automated message system of another party and the automated message system does not provide the person with an opportunity to correct the error, that person, or the party on whose behalf that person was acting, has the right to withdraw the portion of the electronic communication in which the input error was made if: (a) The person, or the party on whose behalf that person was acting, notifies the other party of the error as soon as possible after having learned of the error and indicates that he or she made an error in the electronic communication; and (b) The person, or the party on whose behalf that person was

اگرچه کشور ایران علیرغم امضاء این کنوانسیون هنوز آن را تصویب نکرده (رضایی و رهبری، ۱۳۹۴: ۲۶)^۱ و این کنوانسیون در مورد استفاده از ارتباطات الکترونیکی در قلمرو قراردادها است، لیکن از حیث درک و جاهت حقوقی نهاد انصراف از خطا می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. در ماده مذکور نهاد انصراف از خطا در ارتباطات الکترونیک با تحقق شرایطی پذیرفته شده است. در مورد دادخواست سنتی، حتی اگر دادخواست امضاء شده باشد تا زمانی که دادخواست و مندرجات آن تحت استیلای خواهان است و آن را به محکمه ارائه نکرده، وی مختار است هرگونه اصلاح و تغییری در آن ایجاد کند بدون اینکه ممنوعیتی در این اقدام داشته باشد؛ اما در مورد دادخواست الکترونیک، به محض امضاء، دادخواست از استیلای خواهان خارج می‌شود. لذا سؤال این است که آیا می‌توان از مورد یا مواردی از مندرجات دادخواست الکترونیک که نسبت به آن خطا تحقق یافته انصراف داد یا آن را اصلاح کرد؟ به موجب ماده ۱۹ قانون تجارت الکترونیک «داده پیمایی که بر اساس یکی از شروط زیر ارسال می‌شود، مخاطب حق دارد آن را ارسال شده محسوب کرده و مطابق چنین فرضی (ارسال شده) عمل کند:

الف. قبلاً به وسیله اصل ساز روشی معرفی و یا توافق شده باشد که معلوم کند آیا داده‌پیمای همان است که اصل ساز ارسال کرده است؛
 ب. داده‌پیمای دریافت شده توسط مخاطب از اقدامات شخصی ناشی شده که رابطه-اش با اصل‌ساز یا نمایندگان وی باعث شده تا شخص مذکور به روش مورد استفاده

acting, has not used or received any material benefit or value from the goods or services, if any, received from the other party. 2. Nothing in this article affects the application of any rule of law that may govern the consequences of any error other than as provided for in paragraph 1.

۱. امضاء معاهده فاقد آثار حقوقی است و تعهدی را برای دولت امضاکننده، مادام که آن را تصویب نکند، ایجاد نمی‌کند. هرچند دولت‌ها پس از امضا نمی‌توانند متناقض و مغایر با متن معاهده عملی را انجام دهند. به موجب ماده ۱۸ کنوانسیون وین کشورهایی که معاهده‌ای را امضا کرده و هنوز تصویب نکرده‌اند، نباید مرتکب اعمالی شود که مغایر اهداف و مقاصد آن معاهده است. حداقل تا زمانی که تمایل خود را مبنی بر عدم تصویب یا عدم الحاق اعلام نکرده باشند. در معاهدات رسمی تنها تصویب است که بدان جنبه حقوقی بخشیده و برای طرفین یا اطراف آن، الزام حقوقی ایجاد می‌کند. تصویب، عمل حقوقی مؤخر از امضا است که به‌وسیله عالی‌ترین مقامات دولتی که توسط قانون اساسی دارای این صلاحیت است، صورت می‌پذیرد. تصویب بیانگر رضایت کشورها و متعهد شدن آنان به مفاد معاهده است.

اصل ساز دسترسی یافته و داده‌پیام را به مثابه داده‌پیام خود بشناسد.» به موجب ماده ۲۰ این قانون «ماده (۱۹) این قانون شامل مواردی نیست که پیام از اصل ساز صادر نشده باشد و یا به طور اشتباه صادر شده باشد.» از این مواد چنین برداشت می‌شود که در صورت صدور پیام از شخصی غیر از اصل ساز و یا اشتباه اصل ساز در صدور آن، داده-پیام به وی منتسب نخواهد بود؛ با این وجود قانون‌گذار به تشریح دقیق نحوه تحقق و آثار خطا در مبادله داده‌پیام نپرداخته است. (السان، ۱۳۸۵ الف: ۴۰۲)

از لحاظ موازین حقوقی، بایستی بین بخش‌هایی از مندرجات دادخواست الکترونیک که به جهت تحقق خطا منتسب به اصل ساز نیست و سایر مندرجات دادخواست که خطایی در ثبت آن صورت نگرفته و منتسب به اصل ساز است، قائل به تفکیک شویم. عدالت و انصاف نیز ایجاب می‌کند که اصل ساز را صرفاً مکلف به پایبندی به مندرجاتی بدانیم که منتسب به وی است. در مجموع به نظر می‌رسد می‌توان از جمع بین مفاد مواد ۱۹ و ۲۰ و بند ط ماده ۲ قانون تجارت الکترونیک در مورد رویه ایمن (رویه‌ای است برای تطبیق صحت ثبت داده‌پیام منشأ و مقصد آن با تعیین تاریخ و برای یافتن هر گونه خطا یا تغییر در مبادله، محتوا و یا ذخیره‌سازی داده‌پیام از یک زمان خاص)، اصل کلی «توانایی خواهان در انصراف از خطا و اصلاح مندرجات دادخواست الکترونیک» را استخراج کرد.

اداره حقوقی قوه قضائیه نیز بازگشت به استعلام شماره ۹۰۰۱/۱۲۲/۳۴ مورخ ۹۴/۵/۲۵ شعبه ۱۱۸ دادگاه حقوقی تهران چنین نظر داده است که «با توجه به مقررات قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی از جمله مواد ۴۸، ۴۹، ۵۱، ۵۲، ۵۳ تا ۶۰ راجع به تقدیم دادخواست و شرایط آن و موارد توقیف و پیوست-های آن، با توجه به اینکه مندرجات دادخواست دارای آثار حقوقی است، در فرضی که مندرجات فرم‌های تنظیم شده از جانب دفاتر خدمات الکترونیک قضایی با مندرجات اولیه دادخواست تهیه شده از جانب خواهان مغایرت داشته باشد نه تنها منعی برای تغییر و اصلاح فرم‌های مزبور قبل از جلسه دادرسی وجود ندارد، بلکه اصلاح آن بر اساس دادخواست خواهان الزامی است؛ اما اصلاح آن امری اداری است که حسب مورد با

صلاحید مقامات مسئول در دادگستری و یا دستور قاضی مربوطه انجام می‌شود.^۱ به موجب این نظریه، اصل کلی توانایی خواهان در اصلاح مندرجات دادخواست الکترونیک در فرض مغایرت آن با مندرجات اولیه دادخواست تهیه شده از جانب خواهان، مورد تأیید قرار گرفته که از این منظر مؤید دیدگاه ماست اما در خصوص چگونگی آن، به نظر می‌رسد بایستی بین خطای اساسی و غیراساسی قائل به تفکیک شد که در ادامه توضیح داده می‌شود.

۵-۳-۱. انصراف از مندرجات ناشی از خطای اساسی در دادخواست الکترونیک و اصلاح آن

خطای اساسی ممکن است در تعیین خواسته، مشخصات طرفین و یا سایر مندرجات دادخواست رخ دهد که اصلاح و یا انصراف از آن به تفصیل بررسی خواهد شد.

- انصراف از مندرجات ناشی از خطای اساسی در خواسته و اصلاح آن

به موجب ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی «خواهان می‌تواند خواسته خود را که در دادخواست تصریح کرده در تمام مراحل دادرسی کم کند ولی افزودن آن یا تغییر نحوه دعوا یا خواسته یا درخواست در صورتی ممکن است که با دعوی طرح شده مربوط بوده و منشأ واحدی داشته باشد و تا پایان اولین جلسه آن را به دادگاه اعلام کرده باشد.» همچنین در ماده ۱۰۷ قانون آیین دادرسی مدنی، موارد استرداد دادخواست و دعوی پیش‌بینی شده که در صورت قابل تجزیه بودن دعوی مستنبط از قسمت ذیل ماده ۱۰۴ قانون آیین دادرسی مدنی، استرداد دادخواست یا دعوا از حیث بعض خواسته‌های مطروحه نیز در چارچوب مقررات ماده قانونی اخیرالذکر قابلیت اعمال دارد اما اقدامی تحت عنوان انصراف و اصلاح خواسته در مقررات آیین دادرسی مدنی پیش‌بینی نشده است.

۱. مندرج در سایت <http://ghazaeishahreza.ir> (با توجه به اینکه نظریه مذکور در پاسخ به استعلام شعبه‌ای از دادگاه صورت گرفته است، منبعی به غیر از سایت مذکور یافت نشد).

به نظر می‌رسد اساساً مقصود و فلسفه طرح انصراف از مندرجات دادخواست الکترونیک و اصلاح آن، رفع اثر از خطایی است که در ثبت مندرجات دادخواست الکترونیک رخ داده است. هرچند بنا بر آنچه پیش‌تر بیان شد، به جهت عدم قابلیت انتساب خطای صورت گرفته در مندرجات دادخواست الکترونیک به اصل‌ساز (خواهان)، نمی‌توان وی را مکلف به پابندی به آن مندرجات کرد، لیکن با توجه به اینکه در مورد وقوع خطای اساسی در ثبت خواسته دادخواست الکترونیک با اتخاذ راهکارهای سنتی پیش‌بینی شده در مواد ۹۸ و ۱۰۷ قانون آیین دادرسی مدنی در مورد دادخواست سنتی، می‌توان از طریق تغییر و استرداد خواسته‌ای که در ثبت آن خطا تحقق یافته، در راستای رفع اثر از خطا اقدام کرد، لذا مقصود خواهان و هدف و فلسفه انصراف و اصلاح که همان رفع اثر از خطا است، با استفاده از راهکارهای پیش‌گفته حاصل می‌شود و با این وصف اساساً انصراف و اصلاح دادخواست الکترونیک سالبه به انتفای موضوع است. در واقع، معقول نیست با وجود این راهکارها در مورد رفع اثر از خطا نسبت به خواسته مندرج در دادخواست الکترونیک، راهکار انصراف و اصلاح در عرض این مقررات در نظر گرفته شود؛ چه اینکه توسعه این راهکار می‌تواند نظم دادرسی را با خدشه و تزلزل روبرو سازد. به عنوان نمونه، در صورت بروز خطای اساسی در ثبت خواسته دادخواست الکترونیک از حیث ثبت عنوان فسخ عقد بیع به جای انفساخ عقد بیع می‌توان از راهکار تغییر خواسته استفاده کرد و یا در صورت ثبت مبلغ بیست میلیون تومان به جای دویست میلیون تومان از راهکار افزایش خواسته و در مورد ثبت خواسته اثبات وقوع عقد بیع و مالکیت به جای اثبات وقوع عقد بیع می‌توان از راهکار استرداد دادخواست از حیث خواسته اثبات مالکیت با لحاظ ابقای خواسته اثبات وقوع عقد بیع (با رعایت مقررات مواد ۹۸ و ۱۰۷ قانون آیین دادرسی مدنی) اقدام کرد.

البته ممکن است در موارد معدودی امکان رفع اثر از خطای اساسی در ثبت خواسته به صورت الکترونیک به جهت فقدان شرایط ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی فراهم نباشد. به عنوان نمونه در مورد ثبت مطالبه به جای خلع ید یا بالعکس در اثر

بروز خطای اساسی به جهت عدم وجود شرایط ارتباط و منشأ واحد، امکان تغییر خواسته وجود ندارد. در این‌گونه موارد از یک‌سو با اصل کلی «توانایی خواهان در انصراف از خطا و اصلاح مندرجات دادخواست الکترونیک» روبه‌رو هستیم و از سوی دیگر باید به فلسفه و هدف والاتری توجه کنیم که همان «حفظ نظم دادرسی» است؛ در تعارض این دو اصل، باید حفظ نظم دادرسی را مقدم دانست و در نتیجه در صورتی که با بروز خطای اساسی در ثبت دادخواست به صورت الکترونیک، خواسته‌ای کاملاً غیر مرتبط با خواسته موضوع متن یا فایل ارائه‌شده از ناحیه دادخواست دهنده به ثبت رسیده باشد و تغییر آن نیز در چارچوب مقررات آئین دادرسی مدنی ممکن نباشد، در جهت حفظ نظم دادرسی، بایستی تقاضای اصلاح خواسته را مردود دانست، به ویژه اینکه در چنین مواردی خطای ناشی از کاربر دفتر خدمات الکترونیک قضایی با خطای ناشی از عدم کنترل دقیق خواهان ممزوج شده است.^۱ عرف و رویه قضایی (برحسب تجارب شخصی قضایی) نیز بروز چنین خطایی با این اهمیت را ناشی از سهل‌انگاری و عدم کنترل دقیق نهایی خواهان دانسته و آن را به حساب خود او می‌گذارد. برای پیشگیری از این‌گونه خطاها و جبران هزینه دادرسی تحمیلی به خواهان در مواردی که ناگزیر از تجدید دعوی خویش است؛ به‌ویژه در مواردی که خواهان فاقد وکیل و شناخت کافی از توصیفات حقوقی است، پیشنهاد می‌شود قوه قضائیه ضمن تقویت به‌کارگیری نیروهای متخصص و آموزش‌دیده در واحدهای ارشاد و معاضدت قضایی و دفاتر خدمات الکترونیک قضایی و تسهیل و توسعه روند انتخاب وکیل معاضدتی، در جایی که دادخواست صرفاً به جهت این‌گونه خطاها در همان مراحل اولیه رسیدگی منتهی به قرار رد یا عدم استماع دعوی می‌شود، راهکاری برای استرداد یا محاسبه هزینه دادرسی پرداختی خواهان در دعوی مجدد بیندیشد.^۲

۱. این دیدگاه در وضعیتی که ثبت دادخواست از طریق سامانه خودکاربری وکلا صورت گرفته است، به جهت ثبت مستقیم مندرجات از ناحیه وکیل، تقویت می‌شود.

۲. مخصوصاً اگر بر این دیدگاه باشیم که یکی از فلسفه‌های پرداخت هزینه دادرسی، زحمت و هزینه‌هایی است که دستگاه قضایی از حیث رسیدگی به دعوی متحمل می‌شود.

- انصراف از مندرجات ناشی از خطای اساسی در مشخصات طرفین و اصلاح آن
 برخلاف آنچه در مورد خواسته مندرج در دادخواست سنتی ذکر شد، در قانون
 آئین دادرسی مدنی هیچ مقرره‌ای برای تغییر و اصلاح مشخصات طرفین شامل نام و نام
 خانوادگی پیش‌بینی نشده است؛ صرفاً در مورد عدم قید نام یا نام خانوادگی در
 دادخواست مطابق بند دوم ماده ۵۱ و بند دوم ماده ۵۳ قانون مذکور مورد را از موجبات
 توقیف دادخواست محسوب کرده و در راستای ماده ۵۴ قانون آیین دادرسی مدنی،
 خواهان این توانایی را دارد که ظرف مهلت مقرر نسبت به اعلام مشخصات خوانده اعم
 از نام و نام خانوادگی اقدام و در راستای تکمیل و به جریان افتادن دادخواست گام
 بردارد؛ اما در مورد استرداد دادخواست نسبت به احد از طرفین با عنایت به اصل
 تجزیه‌پذیری، چنین امکانی مطابق ماده ۱۰۷ قانون آئین دادرسی مدنی وجود دارد؛ لذا،
 به نظر می‌رسد در مورد انصراف از مشخصات طرفین و اصلاح آن ناشی از بروز خطای
 اساسی در دادخواست الکترونیک چهار فرض قابل تصور است.

فرض اول: در موردی که با بروز خطای اساسی یک هویت به جای هویت دیگری
 به ثبت رسیده باشد؛ مانند «علی» به جای «محمد». همان‌گونه که در بحث انصراف از
 خواسته و اصلاح آن مطرح کردیم، به جهت حفظ نظم دادرسی و توجه به سهل‌انگاری
 و عدم دقت خواهان در کنترل مشخصات طرفین با چنین تفاوت فاحشی نمی‌توان
 خطای مشترک ناشی از اقدام سهل‌انگارانه خواهان در تأیید مشخصات طرفین برای
 ثبت نهایی و به‌ویژه خطای وکیل در فرضی که دادخواست از طریق خودکاربری و کلاً
 به ثبت رسیده است را بهانه جایگزینی یک هویت کاملاً مستقل به جای هویت دیگری
 کرد و نظم دادرسی را متزلزل کرد. به این ترتیب، نوعی خطای اساسی از سوی خواهان
 در معرفی یکی از اصحاب دعوا صورت گرفته است که راه‌حل قانونی برای انصراف یا
 اصلاح در این مورد وجود ندارد و عملاً چنین دادخواستی مواجه با قرار عدم استماع
 دعوا خواهد شد. با توجه به اتصال آنلاین سامانه خدمات الکترونیک قضایی به سامانه
 الکترونیک ثبت‌احوال کشور، پیشنهاد می‌شود قوه قضائیه با افزایش آماری ثبت‌نام
 الکترونیک اشخاص در سامانه ثنا به‌ویژه از طریق جلب همکاری سایر نهادها و

سازمان‌ها و بانک‌ها و امثال آن، اساساً از بروز این گونه خطاها جلوگیری کند. فرض دوم: در موردی که با بروز خطای اساسی دو یا چند مشخصات (نام و نام خانوادگی) به جای یک مشخصات در دو ردیف قید شده است؛ الف. چنانچه در ردیف خواهان باشد، اساساً به جهت عدم امضای الکترونیک از ناحیه برخی از آنان شبیه موردی است که در دادخواست سنتی دادخواست فاقد امضای خواهان است و می‌توان صرفاً مشخصات ردیفی که ذیل دادخواست را امضاء کرده است به عنوان خواهان تلقی کرد و سایر ردیف‌ها را به جهت فقدان امضاء، نادیده گرفت؛ ب. چنانچه در ردیف خوانده باشد می‌توان از راهکار تجزیه دادخواست به اعتبار طرفین آن استفاده کرد و دادخواست را نسبت اشخاص اضافی استرداد کرد. همان‌گونه که در بحث انصراف از خواسته و اصلاح آن مطرح شد، با توجه به اینکه اساساً مقصود و فلسفه طرح انصراف از مندرجات دادخواست الکترونیک و اصلاح آن، رفع اثر از خطایی است که در ثبت مندرجات دادخواست الکترونیک رخ داده است و در فرض کنونی، مقصود خواهان و هدف و فلسفه انصراف و اصلاح که همان رفع اثر از خطا است، با استفاده از راهکار پیش‌گفته حاصل می‌شود لذا با این وصف اساساً انصراف و اصلاح به جهت انتفای مقصود و هدف سالبه به انتفای موضوع است. به عنوان نمونه چنانچه با بروز خطای اساسی در ردیف اول خواندگان، محمد به جای علی و در ردیف دوم، علی به ثبت رسیده باشد، می‌توان دادخواست را نسبت به ردیف اول (محمد) با لحاظ حفظ دادخواست به طرفیت علی، مسترد کرد.

فرض سوم: چنانچه با بروز خطا چند مشخصات در یک ردیف در کنار هم قید شده باشد، چنانچه مجموع آن مشخصات عرفاً هویت یکسانی را تشکیل ندهد، به منزله آن است که خواهان‌ها یا خواندگان دارای ردیف‌های متعددی هستند و همانند فرض دوم رفتار خواهد شد؛ چراکه اساساً وجود هویت‌های مستقل ملاک تشخیص است، نه عرضی یا طولی قرار گرفتن هویت در ردیف مربوطه. به عنوان نمونه چنانچه با بروز خطای اساسی در ثبت مشخصات خوانده «عباس اصغر» به جای «عباس» قید شده باشد از آنجا که «عباس» و «اصغر» عرفاً دو هویت مستقل از یکدیگرند می‌توان با تجزیه

دادخواست، دادخواست را نسبت به «اصغر» مسترد کرد و اما چنانچه مجموع مشخصات، هویت یکسانی را تشکیل داده باشد مانند ثبت «محمدعلی» به جای «علی»، به نظر می‌رسد با توجه به معیار هویت به جای ردیف، این مورد نیز بسیار نزدیک به مصادیق فرض نخست بوده و به همان‌گونه رفتار خواهد شد.

فرض چهارم: در موردی که به جهت بروز خطای اساسی مشخصات خواهان به جای خواننده یا بالعکس به ثبت رسیده باشد، آنچه ابتدا به ذهن متبادر می‌شود، این است که چه بسا مغایرتی بین مندرجات متن یا فایل ارائه‌شده از ناحیه دادخواست دهنده و مندرجات دادخواست الکترونیک موجود نیست و یک جابه‌جایی ساده رخ داده است؛ اما چنین برداشتی صحیح به نظر نمی‌رسد، زیرا اساساً معیار این مغایرت این است که مندرجات دادخواست الکترونیک نسبت به متن یا فایل ارائه‌شده از ناحیه دادخواست‌دهنده دوگانه‌پنداری است؛ به نحوی که آنچه از متن یا فایل دادخواست دهنده برداشت می‌شود با آنچه از مندرجات دادخواست الکترونیک برداشت می‌شود، یکی نیست. به عنوان نمونه چنانچه به جای قید نام «علی عباسی» در قسمت خواننده این نام در قسمت خواهان قید شود، با ملاحظه مفاد مندرجات دادخواست الکترونیک چنین پنداشته می‌شود که «این علی عباسی است که به عنوان اجزای داده الکترونیک، مفهوم خواهان را به عنوان یکی از مندرجات دادخواست الکترونیک آشکار می‌سازد.» درحالی که پرواضح است که مفهوم خواهان به عنوان یکی از مندرجات دادخواست الکترونیک راجع به واقعیت خود دروغ می‌گوید و این پندار مغایر پنداری است که از دقت در مندرجات متن یا فایل ارائه‌شده از ناحیه دادخواست دهنده برداشت می‌شود. از این چالش می‌توان چنین نتیجه گرفت که نخست، در فرض کنونی مغایرت موجود و به تبع آن بروز خطا قابل تصور است؛ دوم، مغایرت در هیئت خواهان و خواننده به عنوان مندرجات دادخواست الکترونیک است نه مغایرت در مشخصات طرفین؛ سوم، مغایرت از جنس مفهومی (تغییر در مفهوم خواهان و خواننده) است نه ظاهری و چهارم، بروز خطا در جایگزینی مشخصات طرفین در دادخواست الکترونیک متبهی به مغایرت مفهومی در هیئت خواهان و خواننده به عنوان مندرجات دادخواست الکترونیک

مذکور شده است.

لذا در خصوص فرض کنونی چند نکته حائز اهمیت است. نخست اینکه در این فرض با ایجاد تغییر در مفهوم خواهان و خواننده و بروز خطای اساسی برخلاف سایر موارد خطای تعارض نیز در مندرجات دادخواست الکترونیک ایجاد می‌شود و آن اینکه در واقعیت امر، امضای ذیل دادخواست الکترونیک متعلق به کسی غیر از خواهان ظاهری است. لذا در این فرض به محض ایجاد چالش برای محکمه، به نظر می‌رسد اولین قدم اخذ توضیح از طرفین است؛ به این معنا که به محض اطلاع دادگاه از این خطا و قبل از بررسی امکان انصراف یا اصلاح مشخصات طرفین، این محکمه است که نیاز به اخذ توضیح از طرفین دارد تا از تعارض احتمالی رهایی یابد و بتواند خواهان واقعی دعوا را از خواننده تشخیص دهد. دوم اینکه اساساً به جهت عدم مغایرت در ظاهر مندرجات دادخواست الکترونیک هر کدام از مندرجات مستقلاً و حداقل در ظاهر با آنچه در متن یا فایل دادخواست‌دهنده بوده، برابر است؛ بنابراین نهاد «انصراف» بی‌معنا و منتفی است، زیرا انصراف از هر کدام از مندرجات در این فرض خود به مغایرت منتهی خواهد شد؛ لذا به نظر می‌رسد انصراف و جهات نخواهد داشت. سوم اینکه جایگاه نهاد «اصلاح» در این فرض برخلاف سایر فروض یک جایگاه حمایتی است؛ به این معنا که پذیرش امکان اصلاح مفهومی خواهان به جای خواننده در راستای حمایت از محکمه‌ای خواهد بود که خود برای رهایی از تعارض، نیاز به اخذ توضیح از طرفین داشته است؛ بنابراین علیرغم سکوت قانون آیین دادرسی مدنی، با توجه به بند ط ماده ۲ و ماده ۱۹ و ۲۰ قانون تجارت الکترونیک، می‌توان اصل کلی اصلاح را توجیه کرد. مضافاً اینکه این اصلاح نوعاً حمایتی (در جهت حمایت از محکمه برای استنباط معنای اصیل از لغو) است و به همین جهت نه تنها برخلاف هدف والای نظم دادرسی نیست، بلکه همسو و در راستای آن است، زیرا به رفع تعارض از ناحیه محکمه منتهی خواهد شد؛ لذا به نظر می‌رسد اعتقاد به جهات چنین اصلاحی معقول و منطبق با اصول است.

- انصراف از مندرجات ناشی از خطای اساسی در سایر مندرجات دادخواست و

اصلاح آن

پرواضح است که مندرجات دادخواست از حیث تأثیر تغییر آن‌ها در نظم دادرسی از اهمیت یکسانی برخوردار نیستند؛ در این مسیر نمی‌توان اهمیت تغییر در خواسته و مشخصات طرفین شامل نام و نام خانوادگی را با سایر مندرجات دادخواست از جمله مندرجات مربوط به محل اقامت طرفین یا قسمت شرح دادخواست یکسان دانست. شاهد این مدعا پیش‌بینی مقررات ویژه برای دخل و تصرف در خواسته به شرح مقرر در ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی و وضع مقررات خاص برای ذکر مشخصات (هویت) طرفین به موجب مقررات موضوع مواد ۵۱ تا ۵۶ قانون آیین دادرسی مدنی است. در خصوص سایر مندرجات دادخواست، از یک سو قانون آیین دادرسی مدنی مطلقاً ساکت است و مقرره‌ای ندارد و از سوی دیگر استنباط از بند ط ماده ۲ و مواد ۱۹ و ۲۰ قانون تجارت الکترونیک اصل کلی انصراف و اصلاح را توجیه می‌کند؛ در بین دو چهره سکوت در مقررات سنتی راجع به دادخواست و توجیه در مقررات نوین راجع به تجارت الکترونیک، به نظر می‌رسد به جهت عدم قابلیت انتساب این‌گونه مندرجات دادخواست الکترونیک به اصل ساز به علت بروز خطای اساسی و عدم ارتباط جدی این نوع مندرجات با نظم دادرسی برخلاف خواسته و هویت طرفین، تمسک به هر دو نهاد انصراف و اصلاح مجاز است. به عنوان نمونه در موردی که به جهت بروز خطای اساسی، در ردیف اقامتگاه خواننده در دادخواست الکترونیک، خیابان «معدل» به جای «اردیبهشت» به ثبت رسیده باشد^۱، اصلاح آن نه تنها مغایرت جدی با نظم دادرسی ندارد بلکه در راستای فلسفه وجودی رفع نقص بوده و مجاز به نظر می‌رسد. همچنین، اگر در قسمت شرح دادخواست الکترونیک کلمه «خواهان» به جای «خواننده» قید شود، یا علی‌رغم قید نام «حسین» در ردیف خواننده دادخواست الکترونیک، در قسمت شرح دادخواست نام «حسن» قید شده و یا اینکه علی‌رغم قید عقد «بیع» در ردیف خواسته، در شرح دادخواست الکترونیک «معاوضه» ذکر شده باشد، انصراف از مندرجات ناشی از خطای اساسی در قسمت شرح دادخواست (در مثال‌های

۱. این مورد در فرضی که خواننده فاقد سابقه ثبت‌نام الکترونیک قضایی است، قابل تصور است.

مذکور؛ شامل کلمه خواهان، نام حسن، توصیف معاوضه، مغایرت جدی با نظم دادرسی ندارد و به شرح فوق توجیه‌پذیر است. به عنوان یک راهکار عملی در فرض مغایرت بین مندرجات ردیف خواسته و قسمت شرح دادخواست، به نظر می‌رسد دادگاه می‌تواند از راهکار اخذ توضیح از خواهان موضوع ماده ۹۵ قانون آیین دادرسی مدنی استفاده کرده و ابهام یا تعارض موجود را رفع کند.

۵-۳-۲. انصراف از مندرجات ناشی از خطای غیراساسی در دادخواست الکترونیک و اصلاح آن

آنچه در مورد مندرجات ناشی از خطای غیراساسی اهمیت دارد، این است که اساساً شکل این مندرجات (بدون قلب به ماهیتی دیگر) تغییر یافته و به عبارتی از یک طرف ماهیت آن تغییر نیافته و از طرف دیگر به جهت تغییر در شکل بی‌معنا شده است؛ همچون ثبت «حسن» به جای «حسن»؛ بنابراین در مورد مندرجات ناشی از خطای غیر اساسی ما با یک بی‌معنایی روبه‌رو هستیم و رفع اثر از خطای تحقق یافته نیز به مفهوم معنادار کردن مورد یا مواردی از مندرجات بی‌معنا است.

ایجاد بار معنایی برای مورد یا مواردی از مندرجات دادخواست الکترونیک که به جهت بروز خطای غیراساسی بی‌معنا شده، صرفاً با اصلاح امکان‌پذیر است، نه انصراف، زیرا صرفاً شکل این‌گونه مندرجات دگرگون شده و اساس و شاکله آن منطبق با متن یا فایل ارائه شده از ناحیه دادخواست دهنده است. لذا انصراف خود منتهی به تغییر شاکله این‌گونه مندرجات خواهد شد که مخالف روح حاکم بر فلسفه وجودی رفع اثر از خطای غیراساسی است؛ به این معنا که مقصود و هدف از رفع اثر از خطای غیراساسی معنادار کردن آن است نه حذف شاکله و اساس آن. از سوی دیگر تمامی توجیهاتی که در مورد اصلاح برخی از مندرجات ناشی از بروز خطای اساسی اشاره شد، از جمله سکوت قانون آیین دادرسی مدنی، اصل کلی اصلاح مستنبط از بند ط ماده ۲ و مواد ۱۹ و ۲۰ قانون تجارت الکترونیک، عدم ارتباط جدی این نوع از اصلاح با نظم دادرسی و حمایتی بودن، به قید اولویت در مورد اصلاح کلیه مندرجات ناشی از بروز خطای

غیراساسی نیز وجود دارد، زیرا با پذیرش امکان اصلاح برخی از مندرجات ناشی از خطای اساسی در حالی که در آن مندرجات قلب ماهیت صورت گرفته و در واقع آن مندرجات ماهیتاً تغییر یافته‌اند، جایی برای تردید در خصوص امکان اصلاح مندرجات ناشی از بروز خطای غیراساسی که ماهیتاً تغییر نیافته‌اند، باقی نمی‌ماند. با توجه به مراتب مذکور پیشنهاد می‌شود در سامانه مربوط به ثبت دادخواست الکترونیک از طریق دفتر خدمات الکترونیک قضایی و همچنین خودکاربری وکلا، به صورت سیستمی امکان ویرایش این‌گونه خطاهای غیر اساسی قبل از ارجاع دادخواست به شعبه دادگاه فراهم شود.

۴-۵. اصلاح و انصراف از عناوین استاندارد (شبه خطا)

در فرضی که دادخواست‌دهنده با مراجعه به دفاتر خدمات الکترونیک قضایی آگاهانه و مختارانه از بین عناوین استاندارد پیش‌بینی شده در سامانه، توصیفی را به اختیار انتخاب می‌کند و همان توصیف در ردیف خواسته دادخواست الکترونیک قید می‌شود، چالش جدی وجود ندارد. ولی در فرضی که دادخواست‌دهنده یا وکیل، توصیف خاصی را برای خواسته خویش مدنظر دارد و با مراجعه به دفتر خدمات الکترونیک قضایی یا سامانه خودکاربری وکلا به دلیل پیش‌بینی نشدن توصیف مورد نظر در عناوین استاندارد موجود در سامانه، ناگزیر توصیف جایگزینی از بین عناوین موجود را برمی‌گزیند، ممکن است چالش‌هایی ایجاد شود. در این فرض، رویه این است که مندرجات ردیف خواسته به شرح منعکس در متن یا فایل ارائه شده از جانب دادخواست‌دهنده در داخل پرانتز جلوی عنوان استاندارد قید می‌شود. مندرجات ردیف خواسته خواهان که درون پرانتز قید شده، ممکن است توصیف حقوقی خاصی داشته و یا صرفاً جنبه توضیحی داشته باشد. در صورتی که قسمت داخل پرانتز، هم راستای عنوان استاندارد باشد، باز هم چالش جدی وجود ندارد؛ اما چنانچه بین عنوان استاندارد و قسمت داخل پرانتز تعارض وجود داشته باشد، چند نکته حائز اهمیت است.

نخست اینکه ماهیت تعارض موجود، اعم از اینکه قسمت داخل پرانتز دارای

توصیف حقوقی خاصی باشد و یا صرفاً جنبه توضیحی داشته باشد، متفاوت از ماهیت مغایرت ناشی از بروز خطاست، زیرا در مورد بروز خطا، مندرجات دادخواست الکترونیک مغایر متن یا فایل ارائه شده از ناحیه دادخواست دهنده است و این مغایرت در حین ثبت مندرجات به جهت خطای سیستم یا کاربر یا دادخواست دهنده یا خطای مشترک ایجاد شده است؛ حال آنکه در فرض مربوط به عناوین استاندارد، اشتباهی رخ نداده و دادخواست دهنده ناگزیر به انتخاب عنوانی از پیش تعیین شده شده که با عنوان مدنظر وی متفاوت است. با این حال به دلیل شباهت با وضعیت بروز خطا، این وضعیت را می‌توان «شبه خطا» نامید.

دوم اینکه در وضعیتی که توصیف حقوقی مدنظر دادخواست دهنده در پرائتز قید شده، با دو توصیف حقوقی از دعوی (عنوان استاندارد و عنوان درون پرائتز) مواجه هستیم. از آنجا که راهکار استرداد عنوان استاندارد با حفظ خواسته مدنظر خواهان وجود دارد، هدف از انصراف و اصلاح که همانا رفع اثر از شبهه خطای مدنظر است، حاصل می‌شود و انصراف و اصلاح در چنین وضعیتی تحصیل حاصل است. در این حالت خواهان می‌تواند، عنوان استاندارد را مسترد کند و اگر هم مسترد نکند، به معنای انتخاب آگاهانه دو توصیف برای دعوا از ناحیه خواهان و تمایل وی به ابقای عنوان استاندارد است که در این صورت، وقوع شبهه خطا و مآلاً امکان انصراف و یا اصلاح آن موضوعاً منتفی است.

سوم اینکه در وضعیتی که قسمت داخل پرائتز فاقد توصیف حقوقی خاصی باشد، ولیکن توضیح مذکور در قسمت پرائتز با عنوان استاندارد در تعارض باشد، به عنوان نمونه عنوان استاندارد بیع ولیکن قسمت داخل پرائتز حکایت از معاوضه کند، چنانچه شرایط تغییر خواسته موضوع ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی فراهم باشد، به نظر می‌رسد با امکان استفاده خواهان از این راهکار، انصراف و اصلاح خواسته ممکن نیست؛ اما چنانچه شرایط تغییر خواسته موضوع این ماده قانونی فراهم نباشد، چالش جدی این است که آیا محکمه می‌تواند با نادیده گرفتن عنوان استاندارد، نسبت به توصیف خواسته خواهان اقدام و یا اینکه با لحاظ خواسته استاندارد آن را باز توصیف

کند؟ این چالش جدی‌تر خواهد شد چنانچه خواسته بر مبنای عنوان استاندارد در صلاحیت یک دادگاه و بر مبنای توصیف محکمه از قسمت داخل پرائنتز در صلاحیت دادگاه دیگری باشد. در پرونده‌ای، زوج تحت عنوان استاندارد «استرداد جهیزیه» در داخل پرائنتز به «استرداد وسایل منزل و هدایای خریداری شده» اشاره کرده که پس از ارجاع پرونده به محاکم خانواده، بر مبنای توضیح خواهان دادگاه خانواده قرار عدم صلاحیت به شایستگی محاکم حقوقی صادر کرده که با اختلاف در صلاحیت، یکی از شعب دیوان عالی کشور چنین استدلال کرده است: «گرچه عنوان خواسته، استرداد جهیزیه قید شده اما با توجه به شرح آن مقصود خواهان (زوج) اموال و طلاجات خود اوست و چون جهیزیه وسایلی است که عرفاً به عهده و متعلق به زن است، منطقاً استرداد آن از ناحیه زوج مطرح می‌شود و به نظر می‌رسد، دفتر خدمات الکترونیک قضایی تنظیم‌کننده دادخواست خواسته زوج را تحت عنوان استرداد جهیزیه درج کرده است» و در نهایت صلاحیت دادگاه عمومی حقوقی را تأیید کرده است.^۱

بنابراین آنچه توصیف محکمه بر مبنای قسمت داخل پرائنتز را توجیه می‌کند، تفاوت در ماهیت شبه خطا با خطاست؛ دادگاه می‌تواند با توجه به فقد خطای مشترک دادخواست دهنده، منشأ شبه خطا (ناگزیری دادخواست دهنده) و همچنین تمسک به اصل استیلای طرفین بر دعوی مدنی، خواسته را بر اساس عبارت درون پرائنتز توصیف کند که البته رعایت اصل تناظر در این مورد ضروری است. همچنین می‌توان گفت در چنین وضعیتی به جهت بروز تعارض بین عنوان استاندارد و قسمت داخل پرائنتز، اساساً خواسته خواهان دچار ابهام است و بایستی بر مبنای ماده ۹۵ قانون آیین دادرسی مدنی، معتقد به لزوم اخذ توضیح از خواهان باشیم؛ لیکن با عنایت به عدم بروز خطا به مفهومی که در مبحث مربوطه به آن پرداختیم و به دلیل آگاهی دادخواست دهنده بر آنچه برای ثبت نهایی تأیید می‌کند^۲، به نظر نمی‌رسد بتوان به انصراف و اصلاح با تکیه

۱. دادنامه شماره ۱۱۳۱-۹۷ شعبه دوم دیوان عالی کشور

۲. همین‌طور است وضعیت وکیلی که آگاهانه از طریق سامانه خود کاربری وکلا نسبت به ارسال دادخواست الکترونیک به مرجع قضایی اقدام می‌کند.

بر مبنای توجیهی این نهادها معتقد بود.

فرجام سخن

امروزه دادخواست به عنوان سند آغازگر دادرسی در امور مدنی به شکل نوین ظهور یافته و قالب الکترونیک به خود گرفته است. برای حل مسائل ناشی از دادخواست الکترونیک در رویه قضایی، قبل از هر چیز بایستی ماهیت دادخواست الکترونیک به درستی تبیین شود. از یک طرف، ماهیت سند الکترونیک متفاوت از ماهیت داده‌پیام است و بین این دو رابطه عموم و خصوص مطلق وجود دارد و از طرف دیگر، اساساً سند الکترونیک دارای یک بخش مکمل از جوهر و ماهیت فراداده-ای است که این یک ماهیت ویژه و منحصر به فرد و مستقل از ماهیت سند به مفهوم سنتی آن است. دادخواست الکترونیک از حیث ماهیت، نوعی سند الکترونیک عادی مطمئن محسوب می‌شود. همان‌گونه که معیار تعیین تاریخ اقامه دعوا در شیوه سنتی، تاریخ ثبت دادخواست در نزد دفتر دادگاه (دفتر کل) به اعتبار اولین مرجع وصول و ثبت دادخواست سنتی بود، در مورد دادخواست الکترونیک نیز معیار تعیین تاریخ اقامه دعوا، تاریخ ثبت دادخواست در نزد دفتر خدمات الکترونیک قضایی به اعتبار اولین مرجع وصول و ثبت دادخواست الکترونیک یا تاریخ ارسال آن به مرجع قضایی (ثبت نهایی) از طریق سامانه خودکاربری و کلاست و به این ترتیب، ارائه کد رهگیری از ناحیه دفتر مزبور به خواهان یا درج تاریخ اقامه در سامانه خودکاربری و کلا نیز به منزله رسید ثبت دادخواست تلقی خواهد شد. دادخواست الکترونیک پس از ثبت در دفتر خدمات الکترونیک قضایی و تا قبل از مرحله ارجاع و ثبت در نزد شعبه مرجوع الیه، قابلیت انصراف دارد که برحسب رویه قضایی، چنین انصرافی منجر به استرداد هزینه دادرسی نیز خواهد شد.

در صورت بروز خطا در تنظیم دادخواست الکترونیک، بایستی بین مواردی از مندرجات دادخواست که به جهت تحقق خطا منتسب به اصل ساز نیست و سایر مندرجات آن که خطایی در ثبت آن‌ها از سوی کاربر صورت نگرفته و منتسب به اصل

ساز است، قائل به تفکیک شویم و منصفانه نیست اصل ساز را ملتزم و پایبند به مندرجاتی بدانیم که به جهت خطای کاربر، قابل انتساب به وی نیست. به نظر می‌رسد که از جمع مواد ۱۹ و ۲۰ و بند «ط» ماده ۲ قانون تجارت الکترونیک در مورد رویه ایمن، می‌توان اصل کلی جواز انصراف از مندرجات توأم با خطا و امکان اصلاح مندرجات دادخواست الکترونیک را استخراج کرد، لیکن در خصوص انصراف از مندرجات ناشی از خطای اساسی و اصلاح آنها در هر یک از موارد مربوط به خواسته، مشخصات (هویت) طرفین و سایر مندرجات دادخواست، باید قائل به تفکیک شد.

به طور خلاصه می‌توان گفت در بسیاری از موارد، با عنایت به اهمیت و ضرورت حفظ نظم در دادرسی و به‌ویژه با لحاظ اینکه خطا می‌تواند منتسب به دادخواست‌دهنده نیز باشد، انصراف از مندرجات ناشی از خطا و اصلاح آن‌ها صرفاً در چارچوب مقررات قانون آئین دادرسی مدنی از جمله استرداد دادخواست از حیث برخی از خواسته‌های مطروحه، کاهش، افزایش و یا تغییر خواسته، رفع نقص و یا رفع ابهام از دادخواست امکان‌پذیر است. در مورد تعارض بین عناوین استاندارد و توصیف مورد نظر خواهان، به دلیل تفاوت ماهیت شبه خطا با خطا و فقدان خطای قابل انتساب به دادخواست‌دهنده، توجه به منشأ شبه خطا (ناگزیر بودن خواهان به انتخاب از بین عناوین استاندارد) و همچنین تمسک به اصل استیلای طرفین بر دعوای مدنی، توصیف خواسته با لحاظ توضیحات و مندرجات داخل پراتنز و یا اقدام به رفع ابهام با استفاده از راهکار اخذ توضیح از خواهان (موضوع ماده ۹۵ قانون آئین دادرسی مدنی) قابل توجیه به نظر می‌رسد، هر چند که در اینجا انصراف و اصلاح مصداق نمی‌یابد.

برای برون‌رفت از اغلب چالش‌های مذکور این راهکار عملی پیشنهاد می‌شود که متن یا مندرجات فایل ارائه شده توسط دادخواست‌دهنده از ناحیه دفتر خدمات الکترونیک قضایی عیناً اسکن شده و به عنوان ردیف اول ضمایم، پیوست دادخواست الکترونیک شود. این راهکار ساده و کاملاً عملی دو اثر بسیار مهم دارد؛ نخست آنکه در

۱. خطای ناشی از عدم کنترل دقیق مفاد دادخواست قبل از ثبت نهایی آن در دفتر خدمات الکترونیک قضایی و همچنین خطای و کیلی که از طریق سامانه خودکاربری و کلا مستقیماً مندرجات اشتباه را ثبت کرده است.

اثبات وقوع خطا در ثبت مندرجات دادخواست الکترونیک به خوبی راهگشاست و ارزش اثباتی دارد؛ دوم آنکه با ضمیمه کردن مندرجات متن یا فایل مذکور به دادخواست الکترونیک در رویه قضایی، این مندرجات می‌تواند ملصق و ملحق به دادخواست الکترونیک تلقی شود و این دو با هم به صورت یک کل (امر واحد) غیرقابل تفکیک، قلمداد شوند. لذا در صورت وجود مغایرت، تمیز مندرجات صحیح و ناصحیح از همدیگر با مراجعه به فایل ضمیمه میسر خواهد بود و اساساً بحث خطا و راهکارهای جبران آن اعم از انصراف و اصلاح غالباً سالبه به انتفای موضوع می‌شود. همچنین، پیشنهاد می‌شود از یک طرف، حتی‌الامکان به توسعه و تکمیل دقیق عناوین استاندارد در خصوص خواسته دعاوی مدنی اقدام شود و از طرف دیگر، در وضعیتی که توصیف خواهان یا وکیل وی متفاوت از عناوین استاندارد است، با انتخاب عنوان استاندارد «سایر دعاوی مالی» یا «سایر دعاوی غیرمالی» حسب مورد، توصیف مورد نظر خواهان عیناً در پرائتز قید شود تا از بروز تعارض بین عنوان استاندارد و عنوان مورد نظر خواهان و تبعات سوء ناشی از آن اجتناب شود.

منابع

الف. فارسی

ابهری، حمید، امیر مسعود فاطمیان، علیرضا حسنی و محمد کی نیا (۱۳۹۶) «مطالعه تطبیقی قواعد حاکم بر حقوق اسناد الکترونیک از منظر قوانین ایران، مقررات آنسیترال و حقوق فرانسه»، *مجله تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل*، دوره ۱۰، شماره ۳۷، صص ۲۹-۱.

امامی، سید حسن (۱۳۷۵) *حقوق مدنی*، ج ۶، چاپ هفتم، تهران: انتشارات اسلامی. حبیب‌زاده، طاهر (۱۳۹۰) *حقوق فناوری اطلاعات: مقدمه‌ای بر حقوق تجارت الکترونیک (مطالعه تطبیقی)*، ج ۱، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

- حبيبزاده، طاهر (۱۳۹۶) حقوق فناوری اطلاعات: ادله الکترونیکی، اسناد الکترونیکی و امضای الکترونیکی (مطالعه تطبیقی)، ج ۱، تهران: نشر میزان.
- رضایی، علی و ابراهیم رهبری (۱۳۹۴) «نحوه تحقق خطا و تمایز آن از اشتباه در محیط مجازی و اثر آن در انعقاد قراردادهای الکترونیکی با مطالعه تطبیقی حقوق ایران، آمریکا، کانادا، اتحادیه اروپا و عهدنامه ارتباطات الکترونیک آنستیرال (۲۰۰۵)»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی قضایی، دوره ۲۰، شماره ۷۰، صص ۳۳-۱.
- زرکلام، ستار (۱۳۸۴) «قانون تجارت الکترونیکی و الفبای الکترونیکی»، مجموعه مقالات همایش بررسی جنبه‌های حقوقی فناوری اطلاعات، مرکز مطالعات توسعه قضایی با همکاری شورای عالی اطلاع‌رسانی کشور، تهران: انتشارات سلسبیل.
- السان، مصطفی (۱۳۸۵ الف) «ایجاب و قبول معاملات الکترونیک»، مجله تحقیقات حقوقی، دوره ۹، شماره ۴۳، صص ۴۰۶-۳۳۷.
- السان، مصطفی (۱۳۸۵ ب) «جنبه‌های حقوقی ثبت الکترونیکی»، ماهنامه کانون سردفتران و دفتریاران، دوره ۴۸، شماره ۶۰، صص ۴۱-۱۰.
- ساورایی، پرویز (۱۳۹۲) «فراداده و قابلیت استناد به آن در مراجع اداری و قضایی»، مجله تحقیقات حقوقی، دوره ۱۶، شماره ۶۲، صص ۵۱۵-۴۶۱.
- صادقی‌نشاط، امیر (۱۳۹۳) «اعتبار سنجی اسناد الکترونیک»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، دوره ۳، شماره ۸، صص ۱۰۰-۷۱.
- فرهادیان طهرانی، محمدمهدی (۱۳۹۰) داده‌پیام و ارزش اثباتی آن در قراردادهای الکترونیک، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۰) اثبات و دلیل اثبات، ج ۱، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۱) قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، چاپ هفتم، تهران: نشر میزان.
- وصالی ناصح، مرتضی (۱۳۹۴) «سند رسمی الکترونیک (مطالعه تطبیقی امکان صدور سند رسمی الکترونیک در حقوق ایران و آمریکا)»، دانشنامه حقوق و سیاست،

دوره ۱۱، شماره ۳ (پیاپی ۲۵)، صص ۸۰-۶۱.

هیئت مؤلفان و ویراستاران انتشارات مایکروسافت (۱۳۸۳) فرهنگ تشریحی اصطلاحات کامپیوتری مایکروسافت، ترجمه فرهاد قلی زاده نوری، انتشارات کانون نشر علوم.

ب. انگلیسی

Model Notary Act (2010) published by US national Notary Association.

UNIFORM ELECTRONIC TRANSACTIONS ACT (1999)
Approved by the American Bar Association Dallas, Texas,
February 14, 2000

UNCITRA Model Law on Electronic Commerce Guide to Enactment
(1996) Retrived from
<http://www.uncitral.org/english/texts/elecom/ml.html>

UNCITRAL Model Law on Electronic Signatures with Guide to
Enactment (2001).